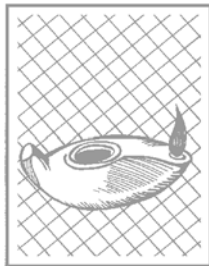


رساله اول یوحنا

«یک انسان خوب ... بله ... شاید یکی از بهترین انسانهایی که تا به حال وجود داشته ... اما فقط یک انسان بوده.» چنین است نظر بسیاری از مردم درباره مسیح. عده‌ای دیگر نظر متفاوتی دارند و مدعی‌اند که او دچار عقده خودبزرگ‌بینی بود، برای همین خود را مسیح می‌پنداشت. این جروب‌بحث‌ها ادامه می‌یابد و در مورد هویت واقعی عیسی شدت پیدا می‌کند. عیسی هر کسی هم که بوده باشد، همه توافق دارند که او اثری بر تاریخ بجا گذاشته است.



با شنیدن این نظرات، حتی مسیحیان هم ممکن است به‌تدریج به شک و تردید بیفتند. آیا عیسی واقعاً خداست؟ آیا او آمد تا گناهکارانی مثل ما را نجات دهد؟

رساله اول یوحنا نوشته شد تا با ارائه تصویر روشنی از مسیح، شک‌ها را برطرف کند و پایه اطمینان را بنا نهد. پسر خدا با جسم پوشیدن و ورود به دنیای انسانها، تجسم کامل الهی گردید، و نویسنده این رساله، یوحنا ی رسول او را دیده، سخنانش را شنیده، و او را لمس کرده بود. یوحنا با عیسی راه رفته و با او سخن گفته بود، او را به هنگام شفا دیده، تعلیم او را شنیده بود، مرگ او را دیده بود، او را بعد از رستاخیز ملاقات کرده، و شاهد صعود او بوده است. یوحنا خدا را می‌شناخت، چون با او زندگی کرده و عمل او را دیده بود.

او در مقام رهبر کلیسا، به «فرزندان عزیزش» نامه می‌نویسد. او در نامه خود، خدا را نور، محبت، و حیات معرفی می‌کند. او با کلماتی ساده و مفید معنای رابطه با خدا را شرح می‌دهد.

در همان وقت، معلمین دروغین که منکر جسم‌شدن مسیح بودند، به کلیسا رخنه کرده بودند. یوحنا این نامه را می‌نویسد تا اشتباهات بزرگ آنها را اصلاح کند. بنابراین برای مبارزه با بدعت‌های امروزی، نامه یوحنا می‌تواند برای ما الگو باشد. یوحنا در آغاز این نامه دلایلی ارائه می‌دهد تا ثابت کند که او شاهد عینی بر واقعه تجسم بوده است. در ضمن علت نوشتن نامه را نیز توضیح می‌دهد (۱:۱-۴). سپس او خدا را «نور» معرفی می‌کند که مظهر پاکی و قدوسیت

مطلق است (۵:۱-۷)، و توضیح می‌دهد که ایمانداران چگونه می‌توانند در نور سلوک کنند و با خدا رابطه داشته باشند (۸:۱-۱۰)، و این همه میسر شده چون ایمانداران مسیح را دارند که حامی آنهاست (۲:۲-۲۰). او آنها را تشویق می‌کند تا به طور کامل از احکام مسیح اطاعت کنند و همه اعضای خانواده خدا را محبت نمایند (۲:۲-۱۷). او خوانندگان نامه‌اش را از خطر «دجال‌ها» و دجال بزرگ که سعی در انحراف آنها از حقیقت خواهند داشت، آگاه می‌سازد (۲:۲-۱۸-۲۹).

در بخش بعدی، یوحنا خدا را محبت معرفی می‌کند (۳:۱-۲۱). خدا ما را فرزندان خود می‌نامد و ما را به شباهت مسیح در می‌آورد، چون ما را دوست دارد (۳:۱-۲۰).

مشخصات رساله اول یوحنا:

هدف:

استوار ساختن مجدد مسیحیان در ایمانشان و مقابله با تعالیم دروغین

نویسنده:

یوحنا ی رسول

گیرندگان:

نامی از مخاطبین برده نشده و نویسنده رساله، آن را به کلیسای مشخصی ننوشته است. نامه، نامه‌ای است شبانی، خطاب به چند کلیسای غیریهودی، و همچنین به همه ایمانداران در هر جا.

تاریخ نگارش:

احتمالاً بین سالهای ۸۵-۹۰ م.، از افسس

علت نگارش:

در این موقع، یوحنا مردی بود سالخورده و احتمالاً تنها رسولی که در قید حیات بود. او هنوز به جزیره پتموس تبعید نشده بود. او بعنوان شاهدهی عینی مسیح، با قدرت و اختیار نامه می‌نویسد تا به نسل جدید ایمانداران کمک کند تا نسبت به خدا و ایمانشان اطمینان خاطر داشته باشد.

آیه کلیدی:

«این نامه را نوشتم تا شما که به فرزند خدا ایمان دارید، بدانید که از هم‌اکنون، از زندگی جاوید برخوردارید» (۱۳:۵).

افراد مهم:

یوحنا، عیسی

جنبه‌های خاص:

یوحنا رسول محبت است، و در سرتاسر این نامه به محبت اشاره شده است. بین این نامه و انجیل یوحنا مشابهت‌هایی از لحاظ واژگان، سبک، و مفاهیم اصلی وجود دارد. یوحنا از جملات کوتاه و کلمات ساده استفاده می‌کند، و به چیزهایی که در تضاد آشکار با یکدیگرند، توجه دارد، از قبیل: نور و تاریکی، حقیقت و دروغ، محبت و نفرت.

این حقیقت باید ما را بر آن دارد که در اتحاد با مسیح زندگی کنیم (۳:۶-۳). وقتی زندگی ما پر از اعمال نیک و محبت نسبت به دیگران باشد، می‌توانیم یقین داشته باشیم که رابطه ما با خدا واقعی است (۳:۷-۲۴). مجدداً یوحنا آنها را از معلمین دروغین که حقیقت را تحریف می‌کنند، برحذر می‌دارد. وقتی ما در محبت خدا می‌مانیم (۴:۷-۲۱)، باید این معلمین دروغین را از خود برانیم (۴:۱-۶). در بخش پایانی، یوحنا خدا را «حیات» معرفی می‌کند. حیات خدا در پسرش می‌باشد. کسی که در پسر خدا حیات دارد، صاحب حیات جاوید است. رساله اول یوحنا به این دلیل نوشته شد تا به شما کمک کند که پی به حقیقت وجود خدا در زندگی خود ببرید، و اطمینان یابید که از طریق مسیح صاحب حیات جاوید هستید، و تشویق شوید که در رابطه خود با خدا بمانید، خدایی که نور و محبت است. در این نامه، درباره محبت خدا بخوانید و با تجدید اطمینان، محبت او را به دیگران منتقل کنید.

تقسیم‌بندی کلی

- ۱- خدا نور است (۱:۱ - ۲:۲۹)
- ۲- خدا محبت است (۳:۱ - ۴:۲۱)
- ۳- خدا حیات است (۵:۱-۲۱)

یوحنا درباره مهم‌ترین ابعاد ایمان به مخاطبین خود می‌نویسد تا آنها حقیقت مسیحیت را از دروغ باز شناسند. او بر اصول ایمان تأکید می‌کند تا از ایمان خود خاطر جمع باشیم. در دنیای تاریک ما، خدا نور است. در دنیای سرد ما، او گرمای محبت را در ما جاری می‌کند. وقتی حس می‌کنیم که اطمینان خود را از دست داده‌ایم، این حقایق در ما یقین ایجاد می‌کند.

موضوعات مهم

موضوع

توضیحات

اهمیت

گناه

حتی مسیحیان مرتکب گناه می‌شوند. گناه نیاز به بخشایش الهی دارد و مرگ مسیح این را برای ما مهیا ساخته است. تصمیم به زندگی کردن مطابق معیارهای خدا در کتاب مقدس، نشان می‌دهد که زندگی ما دگرگون شده است.

ما نمی‌توانیم منکر طبیعت گناه‌آلود خود شویم، نمی‌توانیم ادعا کنیم که «به دور» از گناهیم، یا نمی‌توانیم عواقب گناه را در رابطه‌مان با خدا دست کم بگیریم. ما باید در مقابل جاذبه گناه مقاومت کنیم. با وجود این، وقتی مرتکب گناهی می‌شویم، باید به آن اعتراف کنیم.

محبت

مسیح به ما امر می‌کند که دیگران را همان‌طور محبت کنیم که او محبت کرد. این محبت گواه بر این است که ما حقیقتاً نجات یافته‌ایم. خدا خالق محبت است؛ برای او مهم است که فرزندان یکدیگر را دوست داشته باشند.

محبت یعنی دیگران را اول قرار دادن و خودخواه نبودن. محبت فقط به زبان نیست، بلکه عملی است که طی آن به دیگران نشان می‌دهیم که آنها را دوست داریم. برای اینکه محبت‌مان را نشان دهیم باید با فداکاری وقت و پول خود را برای رفع نیازهای دیگران بنهیم.

خانواده خدا

ما با ایمان به مسیح، فرزندان خدا می‌شویم. حیات خدا در ما، ما را قادر می‌سازد تا دیگر اعضای خانواده را محبت کنیم.

نحوه رفتار ما با دیگران، نشان می‌دهد که پدر ما کیست. مانند عضو وفادار و با محبت خانواده زندگی کنید.

حقیقت و دروغ

معلمین دروغین با این تعلیم که جسم اهمیتی ندارد، ایمانداران را تشویق می‌کردند که محدودیتهای اخلاقی را کنار بگذارند. آنها همچنین تعلیم می‌دادند که مسیح واقعاً یک انسان نبود و اینکه ما با نوعی شناخت عرفانی باید نجات بیابیم. و نتیجه این بود که مردم نسبت به گناه بی‌تفاوت می‌شدند.

خدا حقیقت و نور است، از این رو هرچه بیشتر او را بشناسیم، بهتر می‌توانیم توجه خود را معطوف حقیقت کنیم. در اثر تعالیمی که الوهیت یا انسانیت مسیح را انکار می‌کند، منحرف نشوید. بلکه پیام‌ها را بیازمایید؛ هر نوع ادعایی را امتحان کنید.

اطمینان خاطر

خدا بر آسمان و زمین مسلط است. چون کلام او حقیقت است، پس می‌توانیم از حیات جاوید و پیروزی بر گناه خاطر جمع باشیم. ما با ایمان می‌توانیم از آینده خود در کنار مسیح، مطمئن باشیم.

یقین به داشتن رابطه با خدا یک وعده است، اما همچنین راه حیات هم هست. با ایمان به کلام خدا و به کفار مسیح برای گناهان ما، اطمینان در ما شکل می‌گیرد.

۱- خدا نور است

عیسی مسیح پسر خداست

از ابتدا، «کلمه» حیات بخش خدا وجود داشته است، من او را با چشمان خود دیده‌ام، و سخنان او را شنیده‌ام؛ من با دستهای خود او را لمس کرده‌ام.^۲ این کلمه حیات بخش از جانب خدا آمد و خود را بر ما آشکار فرمود؛ و ما شهادت می‌دهیم که او را دیده‌ایم، یعنی عیسی مسیح را. بلی، او حیات جاودانی است. او نزد خدای پدر بود، اما بعد خود را بر ما آشکار ساخت.^۳ باز می‌گوییم، ما با شما درباره چیزی سخن می‌گوییم که خودمان دیده‌ایم و شنیده‌ایم، تا شما نیز بتوانید مانند ما با خدای پدر و فرزندش عیسی مسیح، رابطه نزدیک داشته باشید.^۴ اگر به آنچه در این نامه می‌نویسم عمل نمایید، شما نیز همچون ما از شادی لبریز خواهید شد.

۱:۱

یو ۱:۱، ۱۴، ۴

ایو ۴:۴

۲:۱

یو ۱:۱-۴، ۱۹:۳۵، ۴

۲۰:۳۰، ۳۱

ایو ۱۱:۵، ۱۳:۲۰

۴:۱

یو ۱۱:۱۵

درباره یوحنا بیشتر بدانید، مراجعه کنید به تاریخچه زندگی او در یوحنا ۱۳.

۱:۱-۵ آغاز نامه اول یوحنا به کلیساها، بسیار شبیه به انجیل اوست. تأکید او در هر دو کتاب، بر این است که مسیح ابدی است، خدا مانند یک انسان به این جهان آمد، و اینکه او، یعنی یوحنا، شاهدی عینی بر زندگی عیسی بوده است، و عیسی نور و حیات را به ارمغان می‌آورد.

۳:۱ یوحنا بعنوان شاهدی عینی بر خدمت عیسی، صلاحیت تعلیم حقایق درباره او را داشت. خوانندگان این نامه عیسی را ندیده و خودشان صدای او را نشنیده بودند، اما می‌توانستند اطمینان کنند که آنچه یوحنا به آنها می‌نویسد، صحت دارد. ما هم مانند مسیحیان نسل دوم و سوم هستیم. با اینکه شخصاً عیسی را ندیده، از او نشنیده، یا او را لمس نکرده‌ایم، اما عهد جدید را داریم که یادداشتهای شاهدان عینی اوست و می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که آنها حقیقت را درباره او بیان کرده‌اند.

۳:۱-۴ سه قدم برای پیروی واقعی مسیح وجود دارد. قدم اول بر شهادت کلام خدا استوار است، که بدون این قدرت زیربنایی، اتحاد با خدا غیرممکن است. قدم دوم، مشارکت است، که بر اتحاد با ایمانداران استوار است. قدم سوم پری هرروزه از روح القدس می‌باشد. پیروی واقعی، ابعاد اجتماعی و روحانی را درهم می‌آمیزد که این عمل فقط بوسیله رابطه زنده با مسیح امکان‌پذیر می‌شود.

۱:۱ این رساله را یوحنا، یکی از ۱۲ شاگرد اصلی عیسی نوشته است. او «شاگرد محبوب عیسی» بود (یوحنا ۲۱:۲۰) و مانند پطرس و یعقوب، رابطه خاصی با عیسی داشت. این نامه احتمالاً بین سالهای ۸۵ تا ۹۰ م. از افسس، پیش از تبعید یوحنا به جزیره پطموس نوشته شده است (مراجعه کنید به مکاشفه ۹:۱). اورشلیم در سال ۷۰ م. ویران شد، و بدنال آن مسیحیان در سرتاسر امپراطوری روم پراکنده شدند. زمانی که یوحنا این رساله را می‌نوشت، مسیحیت از نسل اول گذشته بود و با جفای سختی روبرو شده و محفوظ مانده بود. در این زمان مشکل اصلی که بر سر راه مسیحیت قرار داشت، گمراهی بود، به این ترتیب که بسیاری از ایمانداران از معیارهای دنیا پیروی می‌کردند، از ایستادگی برای مسیح قصور می‌ورزیدند و تغییراتی در ایمان خود بوجود می‌آوردند. معلمین دروغین زیاد بودند، و به حرکت کلیسا در جهت دور شدن از ایمان مسیحی سرعت می‌بخشیدند.

یوحنا این نامه را نوشت تا ایمانداران را دوباره در مسیر اصلی قرار دهد، و تفاوت بین نور و تاریکی را به آنها گوشزد نماید، و کلیسا را تشویق کند تا در محبت واقعی نسبت به خدا و نسبت به یکدیگر رشد کند. او همچنین به این دلیل این نامه را نوشت تا به ایمانداران واقعی اطمینان دهد که صاحب حیات جاودانی هستند و به آنها کمک کند که بدانند ایمانشان واقعی است، و در نتیجه بتوانند از تمامی مزایای فرزند خدا بودن بهره‌مند شوند. برای اینکه

زندگی در نور خدا

^۵ اینست پیغامی که خدا به ما داده است تا به شما اعلام نمایم: خدا نور است و ذره‌ای تاریکی در او وجود ندارد. ^۶ پس اگر بگوییم که با خدا رابطه‌ای نزدیک داریم، اما در تاریکی روحانی و در گناه زندگی کنیم، دروغ می‌گوییم. ^۷ اما اگر ما نیز مانند مسیح در نور حضور خدا زندگی می‌کنیم، آنگاه با یکدیگر رابطه‌ای نزدیک داریم و خون عیسی، فرزند خدا، ما را از هر گناه پاک می‌سازد. ^۸ اگر بگوییم گناهی نداریم، خود را فریب می‌دهیم و از حقیقت گریزانیم.

۵:۱
یو ۹:۱ + ۲۵:۸
۱۶:۶ تیمو
۱۱:۳
۶:۱
۱۴:۶
۷:۱
عبر ۱۴:۹
۸:۱
امث ۹:۲۰

۶:۵-۱ نور مظهر هرچیز خوب، پاک، راست، مقدس، و قابل اعتماد است. تاریکی مظهر گناه و شرارت است. مثلاً «خدا نور است» یعنی خدا کاملاً مقدس و تماماً راستی است، و تنها اوست که می‌تواند ما را به بیرون از تاریکی گناه هدایت کند. نور به حقیقت هم ربط دارد، چون در نور هرچه که وجود دارد، هرچیز خوب یا بد، نمایان می‌شود. در تاریکی خوبی و بدی یکسان است، درحالی که در نور قابل تشخیص می‌باشند. همانطور که تاریکی و نور نمی‌توانند در یک جا باشند، گناه هم در حضور خدای مقدس جایی ندارد. اگر می‌خواهیم با خدا رابطه داشته باشیم، باید زندگی گناه‌آلود خود را کنار بگذاریم. اگر ادعا کنیم با خدا رابطه داریم، اما طبق دلخواه خودمان زندگی کنیم، ریاکاریم. مسیح چنین فریبی را داوری و بر ملا خواهد کرد.

۶:۱ معلمین دروغین که تعلیم می‌دادند بدن یا بی‌فایده است، یکی از این دو دیدگاه را نسبت به رفتار داشتند: یا بر انکار امیال نفسانی از طریق اعمال مقررات سخت بر بدن اصرار می‌ورزیدند؛ یا از این جهت که روزی بدن نابود خواهد شد، ارضای همه شهوات جسمانی را جایز می‌شمردند. ظاهراً دیدگاه دوم طرفدار بیشتری داشت! اینجا یوحنا اشتباه هر دو دیدگاه را نشان می‌دهد. ایمان نمی‌تواند واقعی باشد مگر اینکه به زندگی عوض شده و اعمال نیک منتج شود. کسانی که به زندگی گناه‌آلود خود ادامه می‌دهند، نمی‌توانند ایمانداران واقعی باشند. در ضمن، بدن به خودی خود بد نیست، چون عیسی خودش بدن انسانی داشت.

۷:۱ خون مسیح چطور ما را از هر گناه پاک می‌سازد؟ در زمان عهدعتیق، ایمانداران گناهانشان را بطور نمادین به یک حیوان منتقل می‌کردند و بعد از این عمل، آن حیوان قربانی می‌شد (به شرح این مراسم در لایوان ۴ مراجعه کنید). حیوان بجای آنها می‌مرد، و آنها را از شر گناه رهایی می‌داد و باعث می‌شد تا دوباره زیر عنایت خدا زندگی کنند. این مراسم حقایق مهمی را درباره گناه و بخشش گناه می‌آموخت، اما در عمل نمی‌توانست گناه

را رفع کند. پاک شدن واقعی از گناه بوسیله عیسی، «بره خدا که گناه جهان را برمی‌دارد» (یوحنا ۱:۲۹)، میسر است. گناه بخاطر طبیعتش مرگ را به ارمغان می‌آورد؛ این حقیقتی است که همچون قانون جاذبه زمین، نمی‌توان شکی در آن روا داشت. عیسی بخاطر گناهان خودش نمرد، چون او گناهی نداشت. بلکه با کاری که او کرد، کاری که ممکن است هرگز کاملاً آن را درک نکنیم، برای گناه جهان مرد. اگر خود را با او یکی بدانیم، مرگ او از آن ما می‌شود، و در می‌یابیم که او تاوان گناهان ما را پرداخته و خون او ما را پاک کرده است. همان طور که او از مردگان قیام کرد، ما نیز در اثر مشارکت با او، قیام می‌کنیم و وارد زندگی نوینی می‌شویم (رومیان ۴:۶). **۸:۱** اینجا یوحنا بیشتر به تعلیم دروغین حمله می‌کند. بعضی‌ها می‌گفتند که هیچ کشش طبیعی به طرف گناه ندارند؛ می‌گفتند که طبیعت گناه‌آلودشان را ریشه کن کرده‌اند، و حالا از گناه کردن عاجزند. این منتهای خودفریبی و بدترین دروغ است. آنها نمی‌خواستند گناه را جدی بگیرند. می‌خواستند مسیحی محسوب شوند، اما هیچ نیازی به اعتراف به گناه و توبه نمی‌دیدند. خون مسیح برای آنها خیلی مهم نبود، چون فکر می‌کردند نیازی به آن ندارند. بجای اینکه توبه کنند و با خون مسیح از گناهانشان پاک شوند، ناپاکی را در محفل ایمانداران اشاعه می‌دادند. در این زندگی هیچ‌یک از مسیحیان در برابر احتمال ارتکاب گناه مصونیت ندارند. بنابراین هیچ کس نباید در این مورد سهل‌انگاری و تسامح به خرج دهد.

۸:۱-۱۰ معلمین دروغین نه تنها تعلیم می‌دادند که خودشان گناهی ندارند (۸:۱)، بلکه همچنین می‌گفتند هر کاری هم که بکنند، مرتکب گناه نخواهند شد (۱۰:۱). این دروغ است. آنها یک حقیقت اساسی را فراموش کرده بودند، اینکه ما ذاتاً و عملاً گناهکاریم. زمانی که به مسیح ایمان می‌آوریم، همه گناهانمان، چه گناهان گذشته، چه حال، و چه آینده بخشیده می‌شود. حتی بعد از مسیحی شدن هم، باز مرتکب گناه می‌شویم و باید اعتراف کنیم. این

اما اگر گناهان خود را به او اعتراف نماییم، می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که او ما را می‌بخشد و از هر ناراستی پاک می‌سازد. این کار خدا کاملاً منصفانه و درست است، زیرا عیسی مسیح برای شستن و پاک کردن گناهان ما، جان خود را فدا کرده است.^{۱۰} اگر ادعا کنیم که گناهی از ما سر نزده است، دروغ می‌گوییم و خدا را نیز دروغگو می‌شماریم، زیرا خدا می‌فرماید که ما گناهکاریم.

۹:۱
عبر ۱۴:۹

۱۰:۱
امت ۹:۲۰

فرزندان عزیزم، اینها را به شما می‌نویسم تا گناه نکنید. اما اگر گناهی از شما سرزند، کسی هست که برای ما نزد خدای پدر وساطت کند و

۱:۲
روم ۳:۸
اتیو ۵:۲
عبر ۲۴:۹ : ۲۵:۷

است. ما به گناهانمان اعتراف می‌کنیم تا بتوانیم از حداکثر مشارکت با او و شادی برخوردار شویم. اعتراف به گناه واقعی همچنین مستلزم سرسپردگی به خداست نه تکرار گناه. اگر بعد از اعتراف، قصد داشته باشیم دوباره مرتکب گناه شویم و فقط می‌خواهیم بطور موقت بخشوده شویم، اعتراف ما به گناهانمان در حضور خدا، واقعی نیست. ما باید دعا کنیم تا خدا به ما قدرت بخشد تا دفعه بعد که وسوسه انجام گناهی که آن را اعتراف کرده‌ایم، به سراغ ما آمد، بر آن غالب شویم. **۱:۲** یوحنا به گرمی و با حالتی پدرا نه خوانندگان نامه را «فرزندان عزیزم» خطاب می‌کند، نه به این دلیل که آنها را کوچک بشمارد، بلکه تا محبت خود را به آنها نشان دهد. در این زمان که یوحنا این نامه را می‌نویسد، پیرمردی است که تمام زندگی خود را صرف خدمت کرده، و بیشتر خوانندگان نامه‌اش درواقع فرزندان روحانی او می‌باشند.

۲:۱ و ۲:۲ یوحنا به کسانی که احساس تقصیر و محکومیت می‌کنند، اطمینانی دوباره می‌دهد. چنین اشخاصی می‌دانند که گناه کرده‌اند، و از طرف دیگر شیطان (که در مکاشفه ۱۰:۱۲ «مدعی برادران ما» نامیده شده است) بر مجازات مرگ پافشاری می‌کند. وقتی چنین احساسی می‌کنید، امیدتان را از دست ندهید چون بهترین وکیل مدافع جهان را دارید که از حقوق شما دفاع می‌کند. عیسی مسیح، وکیل مدافع شما، پسر خدای داور است. او بجای شما، تاوان شما را پرداخته است. شما نمی‌توانید پرونده‌اش را که دیگر در دفتر ثبت دعاوی موجود نیست، به جریان بیندازید. شما همانقدر در امان هستید که مسیح محفوظ است. نترسید از اینکه او از بخواهید تا به پرونده شما رسیدگی کند، زیرا پیش از این او با موفقیت کار این پرونده را به انجام رسانده است (مراجعه کنید به رومیان ۳:۸ و ۳:۴ ؛ عبرانیان ۲۴:۷ و ۲۵).

اعتراف برای این نیست که مقبول خدا واقع شویم، بلکه برای برداشتن موانعی است که در رابطه بین ما و خدا وجود دارد، موانعی که گناهان ما ایجاد می‌کنند. با این حال، برای بسیاری از مردم پذیرفتن اشتباهات و عیوبشان کار دشواری است. فروتنی و صداقت لازم است تا بتوانیم نقاط ضعف خود را بپذیریم، اما اکثر ما ترجیح می‌دهیم وانمود کنیم که قوی هستیم. ما نباید از فاش کردن گناهانمان به خدا ترس داشته باشیم، چون او از همه آنها آگاه است. دست به هر گناهی هم که زده باشیم، او ما را از خود دور نخواهد کرد. بلکه گناهان را از ما دور خواهد کرد و ما را به طرف خودش خواهد کشید.

۹:۱ اعتراف به گناه باید ما را آزاد کند تا از دوستی و مشارکت با مسیح بهره‌مند شویم. اعتراف به گناه باید وجدان و فکرمان را آسوده سازد. اما بعضی از مسیحیان نمی‌دانند چطور به گناه اعتراف کنند. آنها بقدری احساس تقصیر می‌کنند که برای یک گناه، بارها اعتراف می‌کنند و بعد در این فکرند که مبادا چیزی را از قلم انداخته باشند. عده‌ای دیگر از مسیحیان معتقدند که وقتی گناهانشان را اعتراف می‌کنند، خدا آنها را می‌بخشد؛ اما اگر با گناهی اعتراف نشده بمرند، برای ابد به هلاکت خواهند رفت. این دسته از مسیحیان درک نمی‌کنند که **خدا می‌خواهد ما را ببخشد**. او اجازه داد تا فرزند محبوبش بمیرد تا به این ترتیب بتواند ما را ببخشد. وقتی ما نزد مسیح می‌رویم، همه گناهانی را که مرتکب شده‌ایم یا حتی مرتکب خواهیم شد، می‌آمرزد. دیگر نیازی نیست که گناهان مشخصی را چندین بار اعتراف کنیم، و نباید بترسیم که اگر پرونده خود را در تمام لحظات به دور از گناه و پاک نگه نداریم، خدا ما را از حضور خود بیرون خواهد کرد. البته ما مرتب به گناهانمان اعتراف می‌کنیم، اما نه به این دلیل که فکر می‌کنیم قصور ورزیدن در آن باعث از دست دادن نجاتمان خواهد شد. امید ما به مسیح محفوظ

بخشایش ما را از او درخواست نماید. این شخص عیسی مسیح است که مظهر راستی و عدالت است.^۲ او کسی است که تاوان گناهان ما را داده تا خدا ما را هلاک نسازد؛ او با این کار، رابطه‌ای دوستانه میان خدا و ما بوجود آورده است. او نه فقط برای گناهان ما، بلکه برای گناهان تمام مردم جهان فدا شد.

^۳ چگونه می‌توانیم مطمئن باشیم که خدا را می‌شناسیم؟ راهش اینست که به قلب خود نگاه کنیم و ببینیم که آیا مایل هستیم احکام خدا را بجا بیاوریم.^۴ کسی که می‌گوید خدا را می‌شناسد اما احکام خدا را نگاه نمی‌دارد و خواست او را بجا نمی‌آورد، دروغ می‌گوید و از حقیقت بدور است.^۵ فقط کسی می‌تواند واقعاً خدا را بشناسد و با او رابطه‌ی نزدیک داشته باشد که او را هر روز بیشتر دوست داشته، کلام او را بجا آورد.^۶ کسی که ادعا می‌کند مسیحی است، باید مانند مسیح زندگی کند.

۲:۲ یو ۱:۲۹؛ ۴:۲۲
روم ۲:۵
عبر ۱۷:۲
یو ۱:۱۰
۳:۲ یو ۳:۲۲، ۲۴
۵:۲ یو ۱۴:۲۳
یو ۳:۲؛ ۴:۲۴؛ ۵:۲
۶:۲ متی ۱۱:۲۹
یو ۵:۵۶؛ ۵۷؛ ۱۵:۴
۱ پط ۲:۲۱

کتاب تضادها	مقایسه بین	آیه مربوطه
یکی از ویژگی‌های مشخص سبکی که یوحنا به کار برده، این است که او عادت داشت هر چیزی را که بیان می‌کند، متضاد آن را نیز ذکر کند. او این نامه را می‌نویسد تا اختلاف بین مسیحیت واقعی و هر چیز دیگر به غیر از مسیحیت را نشان دهد. در اینجا بعضی از مقایسه‌های مورد علاقه او آمده است.	نور و تاریکی قانون تازه و حکم قدیم دل بستن به خدا و دل بستن به دنیا مسیح و دجال حقیقت و دروغ فرزند خدا و فرزند شیطان حیات ابدی و مرگ ابدی محبت و نفرت تعلیم درست و تعلیم غلط محبت و ترس داشتن حیات و نداشتن حیات	۵:۱ ۸ و ۷:۲ ۱۶ و ۱۵:۲ ۱۸:۲ ۲۱ و ۲۰:۲ ۱۰-۱:۳ ۱۴:۳ ۱۶ و ۱۵:۳ ۳-۱:۴ ۱۹ و ۱۸:۴ ۱۲ و ۱۱:۵

۲:۲ بعضی اوقات ما در بخشیدن کسی که به ما بدی کرده، دچار مشکل می‌شویم. تصور کنید چقدر سخت خواهد بود به همه بگویید که هر کاری هم که کرده باشند، حاضرید آنها را ببخشید! و این کاری است که خدا در عیسی انجام داده است. هیچ کس، هرکاری هم که کرده باشد، از امید بخشش بی‌بهره نیست. تنها کاری که ما باید بکنیم، این است که بسوی مسیح باز گردیم و قلممان را به او بسپاریم.

۳:۲ چگونه می‌توانیم مطمئن باشیم که خدا را می‌شناسیم؟ این قست دو راه به ما نشان می‌دهد: فرد مسیحی باید طبق حکم و خواست مسیح عمل کند و طوری زندگی کند که مسیح از او می‌خواهد. مسیح چه انتظاری از ما دارد؟ یوحنا در ۲۳:۳ به این سؤال پاسخ می‌دهد: «به فرزند او عیسی مسیح ایمان داشته باشیم و به یکدیگر محبت کنیم.» ایمان واقعی مسیحی به رفتار پرمحبت منتهی می‌شود؛ به همین دلیل یوحنا می‌گوید که رفتار ما می‌تواند به ما اطمینان دهد که از آن مسیح هستیم.

۶:۲ مانند مسیح زندگی کردن، به این معنا نیست که ۱۲ شاگرد انتخاب کنیم، معجزات بزرگ انجام دهیم، یا مصلوب شویم. ما نمی‌توانیم بطور کامل از زندگی مسیح تقلید کنیم، چون تقلید از قسمت اعظم زندگی او مستلزم برخورداری از هویت الهی است یعنی پسر خدا بودن، برای مثال نقش خاص او در مردن برای گناهان انسانها، و اوضاع و احوال فرهنگی در دنیای رومی قرن اول. برای اینکه امروز آنگونه زندگی کنیم که مسیح در قرن اول زندگی کرد، باید از اطاعت کامل او از خدا و خدمت پرمره او به مردم سرمشق بگیریم.

۲:۲ بعضی اوقات ما در بخشیدن کسی که به ما بدی کرده، دچار مشکل می‌شویم. تصور کنید چقدر سخت خواهد بود به همه بگویید که هر کاری هم که کرده باشند، حاضرید آنها را ببخشید! و این کاری است که خدا در عیسی انجام داده است. هیچ کس، هرکاری هم که کرده باشد، از امید بخشش بی‌بهره نیست. تنها کاری که ما باید بکنیم، این است که بسوی مسیح باز گردیم و قلممان را به او بسپاریم.

۳:۲ چگونه می‌توانیم مطمئن باشیم که خدا را می‌شناسیم؟ این قست دو راه به ما نشان می‌دهد: فرد مسیحی باید طبق حکم و خواست مسیح عمل کند و طوری زندگی کند که مسیح از او می‌خواهد. مسیح چه انتظاری از ما دارد؟ یوحنا در ۲۳:۳ به این سؤال پاسخ می‌دهد: «به فرزند او عیسی مسیح ایمان داشته باشیم و به

ای برادران، به شما می گویم که یکدیگر را محبت نمایند. این یک حکم تازه نیست، بلکه همان حکم قدیمی است که از ابتدا به شما داده شده و همه شما آن را شنیده اید. ^۸ با اینحال همیشه تازه است، و همانگونه که مسیح به آن عمل کرد، شما نیز باید چنین کنید، زیرا در همان حال که به یکدیگر محبت می نمایید، لکه های تیره و تار زندگی از میان می رود، و نور تازه زندگی مسیحایی شروع به تابیدن می کند.

^۹ کسی که می گوید: «من در نور مسیح هستم»، ولی ممنوع خود را دوست نمی دارد، هنوز در تاریکی است. ^{۱۰} اما هر که ممنوع خود را محبت نماید، در نور زندگی می کند و می تواند راه خود را ببیند، بدون آنکه گرفتار تاریکی و گناه گردد. ^{۱۱} ولی کسی که ممنوع خود را دوست ندارد، در تاریکی سرگردان است و نمی داند به کجا می رود، زیرا تاریکی چشمانش را کور کرده است تا راه را نبیند.

دل بردن از دنیای گناه آلود

^{۱۲} ای فرزندان، این چیزها را برای شما می نویسم، زیرا گناهانتان بخاطر نام عیسی مسیح آمرزیده شده است. ^{۱۳} ای پدران، این مطالب را به شما نیز می نویسم، زیرا

۷:۲
عبر ۹:۶
ایو ۲۳، ۱۱، ۲:۳
۲ یو ۶۵
۸:۲
یو ۹:۱ و ۳۴:۱۳
افس ۸:۵
۱ تس ۴:۵

۱۱:۲
یو ۳۵:۱۲
قرن ۴:۴
۲ پط ۹:۱
ایو ۹:۲ و ۱۵:۳
۱۲:۲
لو ۲۷:۲۴
اعما ۱۲:۴
قرن ۱۱:۶
ایو ۱:۲
۱۳:۲
ایو ۱:۱ و ۴:۴

یوحنا در این رساله با دو دسته بزرگ از تعلیم غلط بدعت گزاران به مقابله می پردازد: این بدعت گزاران واقعیت گناه را انکار می کردند. یوحنا می گوید که اگر در گناه زندگی کنیم، نمی توانیم ادعا کنیم که به خدا تعلق داریم. اگر بگوئیم گناهی نداریم، فقط خود را فریب می دهیم و از حقیقت گریزانیم. این بدعت گزاران منکر این بودند که عیسی، مسیح موعود، یعنی خدای در جسم است. یوحنا می گوید که اگر ما ایمان داشته باشیم که عیسی تجسم خداست و برای نجات خود به او ایمان آوریم، فرزندان خواهیم.

یوحنا با تعلیم غلط مقابله می کند

۸، ۶:۱

۲۲:۲ و

۳-۱:۴

نداشته باشید، مسیحی نیستید؟ این آیات درباره دوست نداشتن برادر مسیحی ای که رفتاری ناخوشایند دارد، سخن نمی گوید. همیشه کسانی هستند که ما آنها را به اندازه دیگران دوست نداشته باشیم. سخنان یوحنا متمرکز بر آن طرز رفتار ماست که موجب می شود به دیگران بی اعتنایی کنیم یا از آنها متنفر شویم، رفتاری که باعث حساس شدن آنها نسبت به ما، و رقابت، یا دشمنی آنها با ما می شود. خوشبختانه، محبت مسیحی احساس نیست، بلکه یک انتخاب است. ما نسبت به دیگران، چه احساس محبت بکنیم چه نکنیم، می توانیم به فکر سعادشان باشیم و با احترام با آنها رفتار کنیم. اگر ما محبت کردن به دیگران را انتخاب کنیم، خدا قدرت لازم و نحوه ابراز محبت را به ما نشان خواهد داد.

۱۲:۲ و ۱۳ یوحنا به ایمانداران در هر رده سنی نامه می نویسد، یعنی به «فرزندان عزیز» او که آموزش از طریق عیسی را

۸ و ۷:۲ حکم به محبت کردن، هم حکمی قدیمی است و هم تازه. حکمی قدیمی است چون ریشه در عهدعتیق دارد (لاویان ۱۹:۱۸)، از طرفی تازه است چون عیسی آن را به طرز کاملاً جدیدی تفسیر کرد (یوحنا ۱۳:۳۴ و ۳۵). در کلیسای مسیح محبت از احترام گذشته، به فداکاری و خدمتگزاری می رسد (یوحنا ۱۵:۱۳). در حقیقت، آن را می توان بصورت «بخشش نوع دوستانه» بیان کرد، محبتی که از مرز دوستان می گذرد و دشمنان و آزارکنندگان را نیز شامل می شود (متی ۵:۴۳-۴۸). محبت باید نیروی متحدکننده و علامت مشخصه جامعه مسیحی باشد. محبت کلید راه رفتن در نور است، چون اگر ما از دیگران متنفر باشیم، نمی توانیم در روحانیت رشد کنیم. رابطه روبه رشد با خدا منتهی می شود به روابط دوستانه با دیگران، رابطه ای که روز بروز محبتش افزون می شود.

۹-۱۱ آیا این بدان معناست که اگر کسی را دوست

مسیح را که از ازل بوده است، می‌شناسید. ای جوانان، روی سخنم با شما نیز هست، زیرا در نبرد روحانی، بر شیطان پیروز شده‌اید. به شما خردسالان نیز می‌نویسم، که پدرمان خدا را می‌شناسید.

^{۱۴} پس این را می‌خواهم بگویم به شما پدرانی که خدای ازلی را می‌شناسید، و به شما جوانانی که کلام خدا را در دل خود حفظ می‌کنید و قوی هستید و بر شیطان پیروز شده‌اید؛

^{۱۵} به این دنیای گناه‌آلود و به آنچه به آن تعلق دارد، دل نبندید. کسی که به این چیزها دل ببندد، در واقع نشان می‌دهد که به خدا دل‌بستگی ندارد. ^{۱۶} زیرا وابستگی‌های این دنیا و خواسته‌های ناپاک، میل به داشتن و تصاحب هر آنچه که بنظر جالب می‌آید، و غرور ناشی از ثروت و مقام، هیچیک از خدا نیست؛ بلکه از این دنیای گناه‌آلود می‌باشد. ^{۱۷} دنیا نابود خواهد شد و چیزهای گناه‌آلود آن نیز از بین خواهند رفت، اما هر که طبق خواست خدا زندگی کند، همیشه برقرار خواهد ماند.

هشدار درباره دجال

^{۱۸} فرزندان عزیزم، پایان دنیا نزدیک شده است. شما حتماً درباره ظهور دجال که

او را به وسوسه انداخت. همچنین وقتی شیطان عیسی را در بیابان وسوسه کرد، از این سه زمینه او را مورد حمله قرار داد (مراجعه کنید به متی ۴: ۱-۱۱). برعکس، خدا به پرهیزکاری، سخاوتمندی، و خدمت فروتنانه بها می‌دهد. این امکان وجود دارد که بتوان از «وابستگی‌های این دنیا» اجتناب کرد، اما در عین حال افکار دنیوی را در سر پروراند. همچنین می‌توان مثل عیسی، گناهکاران را دوست داشت و با آنها وقت صرف کرد، اما در عین حال به معیارهای ملکوت خدا هم پایبند بود. چه معیارهایی بیشترین اهمیت را برای شما دارند؟ آیا اعمال شما بازتاب معیارهای دنیاست یا معیارهای خدا؟ آیا مثل حوا شکست خواهید خورد یا مثل عیسی پیروز خواهید بود؟

^{۱۷:۲} وقتی دل‌بستگی ما به دنیا شدید باشد، به سختی می‌توانیم باور کنیم که امور این دنیا روزی نابود خواهد شد. حتی ممکن است دشوار باشد باور کنیم که شخصی که طبق خواست خدا زندگی می‌کند، همیشه برقرار خواهد ماند. اما این عقیده راسخ یوحنا را تشکیل می‌داد که بر حقایق زندگی، مرگ، رستخیز، و وعده‌های مسیح استوار بود. دانستن اینکه این دنیای شیرین و گناهان موجود در آن به پایان خواهد رسید، به ما جرأت می‌بخشد تا همچنان طبق خواست خدا زندگی کنیم.

^{۱۸:۲-۲۱} یوحنا درباره «زمانهای آخر»، زمان بین آمدن اول و دوم مسیح، سخن می‌گوید. خوانندگان قرن اول نامه

تجربه کرده بودند؛ به پدرانی که در ایمان بالغ بودند و از مدت‌ها پیش در رابطه دوستی خود با مسیح همچنان استوار مانده بودند؛ به جوانانی که در مبارزه با وسوسه‌های شیطان پیروز بودند؛ به دختران و پسرانی که چیزهایی درباره مسیح آموخته بودند و در آغاز سفر روحانی قرار داشتند. کلام خدا مربوط به همه مراحل زندگی است. هر مرحله از زندگی بر روی مرحله دیگر بنا می‌شود. وقتی کودک در باره مسیح می‌آموزد، توانایی آنها در نبرد با وسوسه‌ها و به رشد می‌گذارد و پیروز می‌شوند. وقتی جوانان از پیروزی به پیروزی منتقل می‌شوند، در رابطه خود با مسیح رشد می‌کنند. مسن ترها که سالهاست مسیح را می‌شناسند، حکمت لازم برای تعلیم جوانترها در آنها شکل گرفته است. به این ترتیب، این دور از نو شروع می‌شود. آیا رشد مسیحی شما متناسب با رده سنی شما هست؟

^{۱۵:۲-۱۶} بعضی‌ها فکر می‌کنند که دنیادوستی مربوط به رفتار ظاهری ما می‌شود، یعنی مثلاً به کسانی که ما با آنها معاشرت می‌کنیم، جاهایی که می‌رویم، فعالیت‌هایی که در آنها شرکت می‌جوئیم. اما این کاملاً صحیح نیست، چون دنیادوستی از دل شروع می‌شود. دنیا دوستی از این سه حالت شناخته می‌شود: (۱) شهوت، یعنی پرکردن فکر با تمایلات جسمانی و ارضای آنها؛ (۲) مادی‌گرایی، یعنی خواستن و اندوختن مال دنیا؛ و (۳) غرور، یعنی در پی جاه و مقام بودن. وقتی مار حواریا وسوسه کرد (پیدایش ۳: ۶)، در این سه قسمت

دشمن مسیح است چیزهایی شنیده‌اید. حتی الان نیز مخالفین مسیح همه جا دیده می‌شوند، و از همین متوجه می‌شویم که پایان دنیا نزدیک شده است.^{۱۹} این مخالفین مسیح بین ما بودند، اما در واقع از ما نبودند، چه در غیر اینصورت نزد ما می‌ماندند. وقتی از ما جدا شدند، معلوم شد که اصلاً از ما نبودند.

^{۲۰} اما شما مانند اینها نیستید، زیرا روح القدس بر شما قرار گرفته و حقیقت را می‌دانید.^{۲۱} اگر این چیزها را می‌نویسم، منظورم این نیست که حقیقت را نمی‌دانید، بلکه فقط می‌خواهم به شما هشدار داده باشم، زیرا شما فرق میان راست و دروغ را تشخیص می‌دهید.

^{۲۲} دروغگوی واقعی کیست؟ هر که بگوید عیسی همان مسیح نیست، دروغگوست؛ او همان دَجال است، زیرا نه به خدای پدر ایمان دارد و نه به فرزند خدا.^{۲۳} کسی که به عیسی مسیح، فرزند خدا، ایمان نداشته باشد، امکان ندارد بتواند خدای پدر را بشناسد. اما کسی که به فرزند خدا ایمان دارد، خدای پدر را نیز می‌شناسد.

۱۹:۲
متی ۲۴:۲۴
۲ تیمو ۱۹:۲

۲۰:۲
یو ۲۶:۱۴
۱ یو ۲۷:۲

۲۳:۲
یو ۱۹:۸ ؛ ۳:۱۶ ؛ ۳:۱۷
۱ یو ۱۵:۴ ؛ ۱:۵

دلیل شما بر پایه خود مسیح باشد. دلیل شما باید دلیلی والا باشد. شما می‌توانید شخصاً با عیسی مسیح آشنا شوید و پیرو وفادار او گردید.

^{۲۰:۲} وقتی مسیحی می‌شوید، روح القدس را دریافت می‌کنید. یکی از راههایی که روح القدس به ایماندار و به کلیسا کمک می‌کند، بیان حقیقت به آنهاست. عیسی حقیقت است (یوحنا ۱۴:۶)، و روح القدس ایمانداران را بسوی او هدایت می‌کند (یوحنا ۱۶:۱۳). کسانی که ضد مسیح هستند، ضد حقیقت هم هستند، و روح القدس در آنها عمل نمی‌کند. اما کسانی که روح هدایتشان می‌کند، همواره در تجربه شناخت حقانیت مسیح رشد می‌کنند (مراجعه کنید به ۲۷:۲).

^{۲۳:۲} از قرار معلوم «دجال‌ها» در زمان یوحنا، سعی داشتند ضمن انکار مسیح و ضدیت با او، نسبت به خدا وفادار باشند. یوحنا قاطعانه می‌گوید که این غیرممکن است. از آنجایی که عیسی پسر خدا و مسیح اوست، انکار او به منزله رد راهی است که خدا خود را از آن طریق به دنیا آشکار کرده است. اما کسی که مسیح را بعنوان پسر خدا می‌پذیرد، همزمان به خدای پدر هم ایمان می‌آورد. پدر و پسر یک هستند و از هم جدایی ناپذیرند. امروزه پیروان فرقه‌های منحرف خود را «مسیحی» می‌نامند، اما الوهیت عیسی را انکار می‌کنند. ما باید این بدعتها را به همه بنمایانیم و ضدیت خود را نسبت به چنین تعالیمی نشان دهیم تا ایمانداران ضعیفی که در بین ما وجود دارند، تسلیم آنها نشوند.

یوحنا، مانند ما در زمانهای آخر زندگی می‌کردند. در طی این مدت، یعنی در زمانهای آخر، «دجال‌ها» (معلمین دروغینی که وانمود می‌کنند مسیحی هستند و اعضای ضعیف را اغوا و از مسیح دور می‌کنند) همه جا دیده خواهند شد. سرانجام، درست پیش از پایان دنیا، دجال بزرگ ظهور خواهد کرد (مکاشفه ۱۹:۱۳ و ۲۰:۲۰). اما ما نباید ترسی از این مردمان شریر داشته باشیم، چون روح القدس اشتباهات آنها را به ما نشان می‌دهد، و دیگر فریب نخواهیم خورد. با این حال، ما باید به وضوح و به دقت کلام خدا را به اعضای ضعیف و آنانی که در حاشیه قرار دارند، تعلیم دهیم تا صید معلمین دروغین نشوند، معلمینی که «در لباس میش نزدیک می‌شوند، ولی در باطن گرگهای درنده می‌باشند» (متی ۱۵:۷).

^{۱۹:۲} دجال‌ها چهره‌های کاملاً ناآشنایی برای کلیسا نبودند؛ آنها زمانی متعلق به کلیسا بودند، اما بعداً از آن جدا شدند. یوحنا نمی‌گوید که چرا آنها کلیسا را ترک کردند؛ اما روشن است که علت ملحق شدنشان به کلیسا، از روی انگیزه درستی نبوده است. امروز بسیاری از مردم «مسیحی» هستند، اما نه بنا به دلایلی صحیح. آنها به کلیسا می‌روند شاید به این دلیل که این یک رسم خانوادگی است؛ شاید بخاطر ملاقاتهایی که بخاطر روابط اجتماعی و برای داد و ستد در کلیسا با دیگران می‌توانند داشته باشند، به آنجا می‌روند. و شاید هم عادت می‌باشند که از خیلی سال پیش این کار را می‌کرده‌اند و آنها هرگز تأمل نکرده و از خود نپرسیده‌اند که چرا این کار را می‌کنند. دلیل اصلی شما از مسیحی بودن چیست؟ شما نمی‌توانید واقعاً از آن مسیح باشید، مگر اینکه

^{۲۴}ایمان خود را به آنچه که از اول شنیدید، حفظ نمایید زیرا اگر چنین کنید، همیشه با خدای پدر و فرزندش، رابطه‌ای نزدیک خواهید داشت،^{۲۵} و زندگی جاوید که او وعده داده است، نصیب شما خواهد شد.

^{۲۶}این مطالب را درباره این اشخاص می‌نویسم تا بدانید که ایشان می‌خواهند شما را گمراه کنند.^{۲۷} اما می‌دانم که روح خدا در شماست و به همین جهت نیازی ندارید کسی به شما بیاموزد که چه بکنید، زیرا روح خدا همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد؛ هر چه او می‌گوید حقیقت محض است و دروغ در آن یافت نمی‌شود. پس، همانگونه که به شما تعلیم داده است، همیشه در مسیح بمانید و هرگز از او دور نشوید.

^{۲۸}بلی فرزندان من، بکوشید تا با مسیح رابطه‌ای صمیمی داشته باشید، تا به هنگام بازگشت او، بتوانیم با اطمینان او را استقبال کنیم، نه با ترس و خجالت.^{۲۹} همه شما بخوبی می‌دانید که خدا بطور مطلق نیک است. پس این را نیز بدانید که هر که نیکی می‌کند، فرزند خداست.

۲۴:۲

۱ یو ۳:۱ ؛ ۷:۲

۲ یو ۹

۲۵:۲

۳ یو ۳:۱۵ ؛ ۴۰:۶ ؛ ۳:۱۷

۲۶:۲

۱ یو ۷:۳

۲ یو ۷

۲۷:۲

ار ۳۳:۳۱

۱۳:۱۶ ؛ ۲۶:۱۶ ؛ ۱۳:۱۶

اقرن ۱۰۰:۲-۱۲

اتسا ۹:۴

۱ یو ۲:۲۰

۲۸:۲

مر ۳۸:۸

لو ۳:۱۷

کول ۴:۳

اتسا ۱۹:۲

۱ یو ۳:۲۱

۲۹:۲

۱ یو ۳:۹ ؛ ۷:۴ ؛ ۱۵:۵ ؛ ۴:۱۸

^{۲۴:۲} این مسیحیان پیام انجیل را به احتمال زیاد از خود یوحنا شنیده بودند. آنها می‌دانستند که مسیح پسر خداست و برای گناهان ما مرد و بر خاست تا حیات تازه‌ای به ما بدهد، و می‌دانستند که او باز خواهد گشت و سلطنتش را تمام و کمال برقرار خواهد ساخت. اما اکنون معلمین دروغین در میان آنها رخنه کرده بودند، معلمینی که این اصول بنیادین ایمان مسیحی را انکار می‌کردند، و برخی از ایمانداران در خطر تسلیم در مقابل مباحثات آنان قرار داشتند. یوحنا آنان را تشویق می‌کند تا در همان حقیقت مسیحیت که در ابتدای ایمان خود به مسیح شنیده‌اند، بمانند. حائز اهمیت است که در دانش خود نسبت به خداوند رشد کنیم و از طریق مطالعه دقیق، درک و فهم خود را افزایش دهیم، و این حقایق را به دیگران بیاموزیم. اما هرچقدر آموخته‌های ما بیشتر شود، هرگز نباید از حقایق اساسی درباره عیسی دست بکشیم. عیسی برای همیشه پسر خدا خواهد بود، و کفار او برای گناهان ما دائمی است. هیچ حقیقتی هرگز با این تعالیم کتاب مقدس مغایرت نخواهد داشت.

^{۲۶:۲ و ۲۷} مسیح به پیروانش وعده داد که روح القدس را بر آنان بفرستد تا ایشان را تعلیم دهد و هرچه را که او به آنها گفته است، به یادشان آورد (یوحنا ۱۴:۲۶). در نتیجه، مسیحیان روح القدس را در درون خود دارند تا آنها را از گمراهی حفظ کند. بعلاوه، آنها کتاب مقدس را دارند که الهام خداست، و براساس آن می‌توانند تعالیم

مشکوک را محک بزنند. بگذارید روح القدس به شما کمک کند تا حقیقت را از اشتباه تمیز دهید. برای اینکه بیشتر بدانید روح القدس کیست و چه کار می‌کند، مراجعه کنید به توضیحات مربوط به یوحنا ۳:۶ ؛ اعمال ۵:۱ ؛ و افسسیان ۱:۱۴.

^{۲۷:۲} مسیح در ماست، و ما در مسیح. این به آن معنی است که تمام اعتماد ما بر اوست و طبق خواست او زندگی می‌کنیم. این مفهوم، بیانگر رابطه‌ای شخصی و حیات‌بخش است. یوحنا در انجیل خود ۵:۱۵، مفهوم مشابهی را به کار می‌برد، آنجا که از مسیح بعنوان تاک و از پیروانش بعنوان شاخه‌ها سخن می‌گوید (همچنین مراجعه کنید به ۲۴:۳ ؛ ۱۵:۴).

^{۲۸ و ۲۹} دلیل آشکار مسیحی بودن، اعمال نیک است. بسیاری از مردم اعمال نیک انجام می‌دهند، اما به عیسی مسیح ایمان ندارند. عده‌ای دیگر مدعی ایمان به مسیح هستند، اما ندرتاً اعمال نیک از خود نشان می‌دهند. کاستی چه در ایمان چه در انجام اعمال نیک، به هنگام بازگشت مسیح باعث خجالت می‌شود. از آنجا که ایمان واقعی همیشه به اعمال نیک منتهی می‌شود، کسانی که مدعی ایمانند و همیشه در راستی زندگی می‌کنند، ایمانداران واقعی‌اند. اعمال نیک نمی‌تواند موجب نجات شود (مراجعه کنید به افسسیان ۲:۸ و ۹)، اما شاهدی استوار هستند دال بر این که ایمانی اصیل در قلب شخص ساکن است (یعقوب ۲:۱۴-۱۷).

۲- خدا محبت است

ما فرزندان خداییم

۳ ببینید خدای پدر چقدر ما را دوست می‌دارد که ما را «فرزندان» خود خوانده است، و همینطور نیز هستیم. اما مردم دنیا این مطلب را درک نمی‌کنند، زیرا خدا را آنطور که هست نمی‌شناسند.^۲ بلی عزیزان، ما اکنون حقیقتاً فرزندان خدا هستیم. گرچه هنوز نمی‌دانیم در آینده چگونه خواهیم بود، اما این را به یقین می‌دانیم که وقتی مسیح باز گردد، مانند او خواهیم شد، چون او را همانگونه که هست خواهیم دید.^۳ هر که به این حقیقت ایمان دارد، می‌کوشد تا پاک بماند، زیرا که مسیح نیز پاک است.

۴ هر که گناه می‌کند، احکام خدا را می‌شکند، زیرا گناه چیزی نیست جز شکستن احکام خدا و رفتار کردن برخلاف خواست او.^۵ اما می‌دانید که مسیح انسان شد تا بتواند گناهان ما را پاک سازد؛ و این را نیز می‌دانید که او کاملاً پاک و بی‌گناه بود، چون هرگز کاری برخلاف خواست خدا انجام نداد. پس اگر همواره با مسیح رابطه‌ای نزدیک داشته باشیم، در گناه زندگی نخواهیم کرد. اگر کسی در گناه زندگی می‌کند، علتش اینست که هرگز با او رابطه‌ای نداشته و او را نشناخته است.

۷ فرزندان عزیزم، مراقب باشید کسی شما را در این مورد فریب ندهد: هر که اعمال

۱:۳

یو ۱:۱ و ۱۲:۱۷

روم ۱۶:۸

افس ۵:۴

۲:۳

مز ۱۵:۱۷

یو ۲۴:۱۷

روم ۲۹:۱۹، ۸

اقرن ۴۹:۱۵

۳:۳

۱ تس ۵:۵

۱ پط ۷:۱-۹

۵:۳

اش ۱:۵۳-۱۲

یو ۲۹:۱

۲ اقرن ۲۱:۵

۶:۳

۱ یو ۹:۳

۷:۳

۱ یو ۲:۲، ۲۶:۲۹

اینکه هدف نهایی ما همین است، ما را بر می‌انگیزد تا هر روز بیشتر و بیشتر مانند مسیح زندگی کنیم.

۴:۳ بین ارتکاب گناه و ماندن در گناه تفاوتی هست. حتی بیشتر ایمانداران وفادار هم گاهی مرتکب گناهانی می‌شوند، اما آنها گناه مشخصی را در ذهن نمی‌پروراند که بعد هم تصمیم بگیرند مرتکب آن بشوند. ایمانداری که مرتکب گناهی می‌شود، توبه و اعتراف می‌کند و بخشوده می‌شود. اما برعکس، کسی که در گناه می‌ماند، برای کاری که می‌کند متأسف نیست. از این رو، هیچ وقت به آن اعتراف نمی‌کند و هرگز بخشش را دریافت نمی‌دارد. چنین شخصی هرچقدر هم ادعای مذهبی بودن بکند، ضد خداست.

۵:۳ مطابق با روش قربانی در عهدعتیق، بره بی‌عیبی را برای قربانی گناه تقدیم می‌کردند. عیسی «همان بره‌ای است که گناه جهان را برمی‌دارد» (یوحنا ۱:۲۹). ما کاملاً بخشوده می‌شویم، چون او که بدون گناه بود، برای گناهان ما قربانی شد (۱ یوحنا ۲:۲). ما می‌توانیم به مرگ او که برای ما انجام شد، بنگریم و یقین داشته باشیم که دیگر هرگز عذاب ابدی را نخواهیم چشید.

۱۰:۳ آیه اول به ما می‌گوید که ما کی هستیم؛ ما اعضای خانواده خداییم. آیه دوم به ما می‌گوید که کی خواهیم شد؛ ما در آینده انعکاسی از وجود خدا خواهیم شد. دنباله این فصل به ما می‌گوید که در حینی که رشد می‌کنیم و بیشتر شبیه مسیح می‌شویم، چه چیزی به دست می‌آوریم: (۱) پیروزی بر گناه (۳:۴-۹)؛ (۲) محبت به برادران (۳:۱۰-۱۸)؛ و (۳) اطمینان در حضور خدا (۳:۲۴-۱۹).

۱۳ ارزش فردی ما ایمانداران بر این حقیقت استوار است که خدا ما را دوست دارد و ما را فرزندان خود می‌نامد. ما حالا فرزندان او هستیم، نه در آینده دور. دانستن این واقعیت که ما فرزندان اویم، ما را تشویق می‌کند تا به همان گونه زندگی کنیم که مسیح زندگی کرد. برای دستیابی به منابع دیگر درباره عضو بودن در خانواده خدا، مراجعه کنید به رومیان ۸:۱۴-۱۷؛ غلاطیان ۳:۲۶ و ۴:۷.

۲۰:۳ زندگی مسیحی فرایندی است که طی آن بیشتر و بیشتر شبیه مسیح می‌شویم (مراجعه کنید به رومیان ۸:۲۹). این فرایند به کمال نخواهد رسید مگر وقتی که او را روبرو ببینیم (۱ قرنتیان ۱۳:۱۲؛ فیلیپیان ۳:۲۱)، اما دانستن

نیک و راست انجام می‌دهد، به این علت است که درستکار و نیک است، همانگونه که مسیح نیک و درستکار بود.^۸ اما کسی که در گناه بسر می‌برد، نشان می‌دهد که فرزند شیطان است، زیرا شیطان از همان ابتدا که خود را به گناه آلوده ساخت، تابحال گناه می‌کند. اما فرزند خدا آمد تا اعمال شیطان را باطل سازد.^۹ هر که به خانواده خدا ملحق می‌شود و فرزند خدا می‌گردد، به راه گناه نمی‌رود، زیرا او از طبیعت و حیات الهی برخوردار می‌شود. بنابراین، دیگر نمی‌تواند گناه کند، زیرا در او زندگی تازه‌ای شکل گرفته است که از خدا جریان می‌یابد.

ما باید دیگر مسیحیان را دوست بداریم

^{۱۰} پس به این ترتیب می‌توان گفت که چه کسی فرزند خداست و چه کسی فرزند شیطان است. هر که زندگی گناه‌آلودی داشته باشد و هم‌نوع خود را نیز دوست نداشته باشد، فرزند خدا نیست.

^{۱۱} زیرا پیغامی که از همان ابتدا به ما داده شد، اینست که یکدیگر را محبت نماییم؛^{۱۲} اما نه مانند «قائن» که از شیطان بود و برادرش را کشت. می‌دانید چرا چنین کرد؟ زیرا کارهای خودش نادرست بود، ولی می‌دانست که اعمال برادرش از اعمال خودش بهتر است.^{۱۳} از اینرو، برادران من، تعجب نکنید از این که مردم دنیا از شما نفرت داشته باشند.

۸:۳

متی ۳۸:۱۳

یو ۸:۴۴ : ۱۱:۱۶

ایو ۱۰:۳

۹:۳

یعقو ۱:۱۸

۱ پط ۳:۱

ایو ۲:۲۹ : ۳:۶ : ۷:۴

۱۸:۴، ۱۵

۱۰:۳

روم ۸:۱۳-۱۴

ایو ۹:۲ : ۸:۴

۱۱:۳

یو ۱۳:۳۴ : ۱۲:۱۵

ایو ۵:۱ : ۷:۲

۲ یو ۵:۶

۱۲:۳

پیدا ۳:۴-۸

۱۳:۳

یو ۱۸:۱۵ : ۱۴:۱۷

۹و۸:۳ همه ما در زمینه‌هایی شدیداً وسوسه می‌شویم و عادت‌هایی داریم که در چیره شدن بر آنها مشکل داریم. این نقطه ضعف‌ها به شیطان اجازه نفوذ می‌دهد، از این رو ما باید آنها را برطرف کنیم. اما اگر ما با گناه مشخصی در کشمکش هستیم، یا حتی اگر «در گناه به سر می‌بریم»، این آیات خطاب به ما نمی‌باشد. یوحنا درباره کسانی سخن نمی‌گوید که هنوز کاملاً بر گناه پیروز نشده‌اند؛ او راجع به اشخاصی سخن می‌گوید که به راه گناه می‌روند و در پی آنند که خود را تبرئه کنند.

برداشتن سه قدم برای رسیدن به پیروزی بر گناهی که بر زندگی شخص حاکم شده، ضروری است: (۱) شخص باید هرروز در پی کسب قدرت روح‌القدس و کلام خدا باشد؛ (۲) شخص باید از امیال شهوانی بگریزد؛ و (۳) شخص به کمک بدن مسیح نیاز دارد، چون بدن مسیح در دعا و پاسخگویی به دیگران مسؤول است.

۹:۳ وقتی روح‌القدس در ما ساکن می‌شود و طبیعت تازه عیسی را به ما می‌دهد، ما دوباره متولد می‌شویم. تولدی دوباره، چیزی بیش از یک آغازی نو می‌باشد. آن تولدی است تازه، به این معنا که نام خانوادگی

جدیدی دریافت می‌کنیم که بر پایه مرگ مسیح برای ما قرار دارد. خدا ما را می‌بخشد و کاملاً می‌پذیرد. روح‌القدس فکر و دل تازه‌ای به ما می‌دهد، در ما ساکن می‌شود، و به ما کمک می‌کند تا شبیه مسیح شویم. دید ما نیز عوض می‌شود. ما فکر تازه‌ای می‌یابیم که روح‌القدس روزبروز آن را تازه‌تر می‌کند (همچنین مراجعه کنید به افسسیان ۲:۴-۲۴). پس، از این پس فکر و عمل ما باید به گونه‌ای دیگر باشد. برای اینکه بیشتر درباره تولدی دوباره بدانید، مراجعه کنید به یوحنا ۱:۳-۲۱.

۱۲:۳ و ۱۳ وقتی قائن دید که خدا هدیه او را نپذیرفت ولی هدیه برادرش هابیل را قبول فرمود، برادر خود را کشت (پیدایش ۴:۱-۱۶). هدیه هابیل نشان داد که قائن بهترین خود را به خدا نداده است. خشم توأم با حسادت قائن، او را بسوی قتل سوق داد. کسانی که زندگی پاکی دارند، باعث برملا شدن ذات و خجالت آنانی می‌شوند که زندگی پاکی ندارند. اگر ما برای خدا زندگی کنیم، دنیا غالباً از ما متنفر خواهد بود چون در این صورت ما بطور تأسف باری آنها را از فساد زندگی‌شان آگاه می‌سازیم.

۱۴ اگر ما برادران خود را محبت کنیم، معلوم می‌شود که از مرگ رهایی یافته، به زندگی جاوید رسیده‌ایم. اما هر که محبت نداشته باشد، در مرگ بسر می‌برد. ۱۵ هر که از برادر خود نفرت داشته باشد، در واقع قاتل است؛ و می‌دانید که هر کس قصد قتل کسی را داشته باشد، هرگز به زندگی ابدی دست نخواهد یافت. ۱۶ ما محبت واقعی را از مسیح آموخته‌ایم، زیرا او جان خود را در راه ما فدا کرد، تا ما نیز حاضر باشیم جان خود را در راه برادران خود فدا کنیم. ۱۷ اما کسی که ادعای مسیحیت می‌کند و از نظر مالی در وضعیت خوبی بسر می‌برد، اگر ممنوع خود را در احتیاج ببیند و به او کمک نکند، چگونه ممکن است محبت خدا در قلب او حکمفرما باشد؟ ۱۸ ای فرزندان من، محبت ما نباید فقط زبانی باشد، بلکه می‌باید در عمل نیز آن را نشان دهیم. ۱۹ آنگاه خواهیم دانست که مسیحیانی واقعی هستیم، و وجدانمان نیز آسوده خواهد بود. ۲۰ حتی اگر وجدانمان احساس خطا کند، می‌توانیم به حضور خدا بیاییم و اطمینان حاصل کنیم، زیرا او از وجدان ما بزرگتر است و به همه چیز واقف می‌باشد. ۲۱ اما عزیزان من، اگر وجدان ما راحت و آسوده باشد، می‌توانیم با اطمینان خاطر

۱۴:۳
یو ۲۴:۵ + ۳۵:۱۳

۱۵:۳
متی ۲۲:۵ و ۲۱
یو ۴۴:۸
غلا ۲۱:۵

۱۶:۳
یو ۱۶:۳ + ۱۳:۱۵
روم ۸:۵
افس ۲۵:۲ و ۲۵:۵

۱۷:۳
لو ۱۱:۳
یعقو ۱۵:۲

۱۸:۳
یو ۲۰:۴

۱۹:۳
روم ۹:۱۲
یو ۷:۳

۲۰:۳
یو ۳۷:۱۸
یو ۲۱:۲

آنقدر که باید و شاید، در پول، دارایی، و وقتتان از خود سخاوتمندی نشان می‌دهید؟ ۱۹:۳ و ۲۰ بسیاری از این ناراحتند که دیگران را آنطور که باید محبت نمی‌کنند. آنها احساس تقصیر می‌کنند چون فکر می‌کنند آموختن آن را ندارند یا نمی‌توانند به معنای واقعی کلمه، محبت نشان دهند. وجدانشان آنها را آزار می‌دهد. یوحنا وقتی این نامه را می‌نوشت، به فکر چنین اشخاصی بوده است. چگونه می‌توانیم خود را از اتهاماتی که وجدانمان به ما وارد می‌آورد، رهایی می‌دهیم؟ یوحنا می‌گوید که ما نه با بی‌اعتنایی یا توجیه رفتارمان، بلکه با اعمال نیک می‌توانیم از احساس تقصیر رهایی بیابیم. اگر هنوز احساس تقصیر می‌کنیم، باید به یاد آوریم که خدا همان طور که از اعمال ما آگاهی دارد، از دل ما نیز باخبر است. اگر در مسیح باشیم، او ما را محکوم نخواهد کرد (رومیان ۸:۱؛ عبرانیان ۹:۱۴ و ۱۵). بنابراین اگر برای خداوند زندگی می‌کنید، اما احساس می‌کنید که آنطور که باید خوب نیستید، به یاد آورید که خدا از وجدان شما بزرگتر است. خدا می‌داند که شما به او تعلق دارید، پس شما نیز می‌توانید یقین داشته باشید که از آن او هستید.

۲۱:۳ و ۲۲ اگر وجدانتان واقعاً راحت و آسوده باشد، می‌توانید بدون ترس به حضور خدا بروید، و مطمئن باشید که دعا‌های شما شنیده خواهد شد. یوحنا وعده عیسی را دوباره تکرار می‌کند که فرمود: «بخواهید که به شما

۱۵:۳ یوحنا سخنان عیسی را تکرار می‌کند که فرمود که اگر کسی از دیگری نفرت داشته باشد، در دل خود مرتکب قتل شده است (متی ۲۱:۵ و ۲۲). مسیحیت مذهب دل است؛ اطاعت ظاهری از احکام به تنهایی کافی نیست. تلخی نسبت به کسی که به شما بدی کرده است، مانند غده بدخیمی است در وجودتان که عاقبت شما را نابود خواهد کرد. نگذارید تلخی در شما و در میان کلیسایان ریشه بدواند (عبرانیان ۱۲:۱۵).

۱۶:۳ محبت واقعی امری است عملی نه احساسی. محبت واقعی موجب ایثار و نوع‌دوستی می‌شود. بزرگترین محبتی که شخص می‌تواند بکند این است که جان خود را در راه دیگران بدهد. ما چطور می‌توانیم جان خود را فدای دیگران کنیم؟ گاهی برای ما آسانتر است که بگوییم جان خود را فدای هموعان خود می‌کنیم تا اینکه واقعاً در مسیر کمک به دیگران زندگی کنیم، چه در این صورت باید خواسته‌های دیگران را در اولویت قرار دهیم. عیسی در یوحنا ۱۳:۱۵ همین اصل محبت را به ما تعلیم می‌دهد. ۱۷:۳ و ۱۸ این آیات به ما نمونه‌ای می‌دهد از اینکه چطور جان خود را فدای دیگران کنیم. مسیحیان باید محبت خود را به دیگران نشان دهند؛ یکی از راههای انجام این کار، کمک مالی به کسانی است که در احتیاجند، و این آن چیزی است که به گونه‌ای چشمگیر شبیه تعلیم یعقوب است (یعقوب ۲:۱۴-۱۷). چقدر اعمال شما مبین محبت واقعی شما نسبت به دیگران است؟ آیا

و اعتماد کامل به حضور خداوند بیاییم؛^{۲۲} آنگاه هر چه از او درخواست نماییم، دریافت خواهیم کرد، زیرا احکام او را اطاعت می کنیم و کارهای پسندیده او را بجا می آوریم.^{۲۳} آنچه خدا از ما انتظار دارد اینست که به فرزند او عیسی مسیح ایمان داشته باشیم و به یکدیگر محبت کنیم.^{۲۴} هر که احکام خدا را بجا آورد، با خدا زندگی می کند و خدا نیز با او. این حقیقت را از آن روح پاک که خدا به ما عطا فرموده است، دریافت کرده ایم.

تشخیص تعلیم درست از نادرست

۴ عزیزان من، اگر کسی ادعا کند که از جانب خدا پیغامی دارد، زود باور نکنید. نخست، او را بیازمایید تا دریابید که آیا پیغام او از جانب خداست یا نه؛ زیرا معلمین و واعظین دروغین، این روزها همه جا پیدا می شوند.^۲ برای پی بردن به این که پیغام ایشان از جانب روح خداست یا نه، باید از ایشان پرسید که آیا ایمان دارند که عیسی مسیح، فرزند خدا واقعاً انسان شد یا نه. اگر ایمان داشته باشند، در اینصورت پیغام ایشان از جانب خداست.^۳ در غیراینصورت، آن پیغام از سوی خدا نیست، بلکه از جانب دجال است، یعنی آن دشمن مسیح، که شنیده اید بزودی می آید، و دشمنی او با مسیح از هم اکنون در جهان آشکار است.

۲۲:۳

متی ۲۲:۲۱

یو ۳۱:۹ : ۲۹:۸

یعقو ۵:۱۶

۲۴:۳

روم ۹:۸

۱ یو ۲۷، ۵۳:۲

۱:۴

۱ تس ۵:۲۰

۲:۴

اقرن ۳:۱۲

۱ یو ۲:۱ : ۲۳:۲ : ۱:۵

(۱۹:۲)، شیوه زندگی آنها (۲۳:۳ و ۲۴)، و ثمره خدمتشان (۶:۴). اما یوحنا می گوید که مهم ترین راه آزمودن آنها، سنجش ایمانشان نسبت به مسیح است: آیا آنها تعلیم می دهند که عیسی خدای کامل و انسان کامل است؟ دنیای ما پر است از ندای کسانی که مدعی اند برای خدا سخی می گویند. آنها را از این طرق امتحان کنید که آیا واقعاً حقایق الهی را بیان می کنند یا نه.

۱:۴-۳ بعضی از مردم هر چیزی را که می خوانند یا می شنوند، باور می کنند. متأسفانه، بسیاری از چیزهایی که به چاپ می رسد و تعلیم داده می شود، درست نیست. مسیحیان باید ایمان داشته باشند، اما نباید زودباور باشند. درباره هر پیغامی که می شنوید تحقیق کنید، حتی اگر شخصی که پیغام را می آورد، ادعا کند که پیغامش از خداست. اگر آن پیغام واقعاً از جانب خدا باشد، با تعالیم مسیح مطابقت خواهد داشت.

۳:۴ دجال شخصی خواهد بود که مظهر همه شرارت هاست، و دنیای شریر به سادگی او را پذیرا خواهد بود. در ۲ تسالونیکیان ۳:۲-۱۲ و مکاشفه ۱۳ وصف کامل تری از او آمده است.

داده خواهد شد» (متی ۷:۷؛ همچنین مراجعه کنید به متی ۲۲:۲۱؛ یوحنا ۳۱:۹ و ۷:۱۵). اگر از احکام او اطاعت کنید، دریافت خواهید کرد، چون وقتی اطاعت می کنید، خواسته های شما مطابق با اراده او می شود. البته این بدان معنا نیست که شما هر چیزی که می خواهید، می توانید داشته باشید، مثل ثروت آنی. اگر حقیقتاً در پی خدا باشید، چیزهایی هست که آنها را از خدا نخواهید طلبید.

۲۳:۳ در کتاب مقدس، نام شخص بیانگر شخصیت اوست و نشان می دهد که او واقعاً چگونه است. ما نه فقط باید به سخنان مسیح، بلکه به شخص خودش بعنوان پسر خدا نیز ایمان داشته باشیم. از این گذشته، ایمان داشتن به نام او، به این معنا است که در زندگی خود، او را الگو قرار دهیم، و در اتحاد با او بیشتر شبیه او بشویم.

۲۱:۴ برای اینکه بدانیم پیغام معلمین از جانب خداست یا نه، راههای زیادی برای آزمودن آنها وجود دارد. یکی از راهها انطباق گفته های آنها با فرمایشهای الهی در کتاب مقدس می باشد. راههای دیگر برای امتحان آنها به این قرار است: میزان وقف آنها نسبت به بدن ایمانداران

فرزندان عزیزم، شما از آن خدا هستید و بر مخالفین مسیح غلبه یافته‌اید، زیرا در وجود شما کسی زندگی می‌کند که از هر دشمن مسیح در این دنیای گناه‌آلود، قوی‌تر است.^۵ این معلمین دروغین از این دنیا هستند؛ به همین علت، سخنانشان دربارهٔ امور دنیوی است و مردم دنیوی نیز به گفته‌های ایشان توجه می‌کنند. ولی ما فرزندان خدا هستیم، و فقط کسانی به سخنان ما توجه می‌کنند که خدا را می‌شناسند و با او رابطه‌ای نزدیک دارند. اما دیگران توجهی به گفته‌های ما ندارند. این نیز راه دیگری است برای پی بردن به این که آیا پیغامی از جانب خدا هست یا نه؛ زیرا اگر از سوی خدا باشد، مردم دنیوی به آن گوش نخواهند داد.

۴:۴
یو ۳۱:۱۲ ± ۳۰:۱۴
روم ۳:۸
۱ یو ۱۳:۱۲ ± ۲۰:۳
۵:۴
یو ۱۶:۱۷ ± ۱۹:۱۵
۶:۴
یو ۴۷:۸ ± ۲۷:۱۰ ± ۱۷:۱۴
قرن ۳۷:۱۴
اتیمو ۱:۴

بدعت‌ها

وقتی یوحنا این رساله را می‌نوشت، بسیاری از شاهدان عینی خداوند عیسی مرده بودند. بعضی از مسیحیان نسل دوم یا سوم کم‌کم در مورد چیزهایی که درباره عیسی تعلیم گرفته بودند، دچار شک شده بودند. بعضی از مسیحیان که پیشینه یونانی داشتند، سخت می‌توانستند باور کنند که عیسی هم انسان است و هم خدا، چون در تفکر افلاطونی، روح مهم‌ترین چیز بود. بدن فقط زندانی بود که شخص آرزوی فرار از آن را داشت.

تعلیم غلطی که فوق‌العاده رایج بود، و بعدها *دوستیزم* نامیده شد (که از یک کلمه یونانی به معنای «بنظر آمدن» گرفته شده)، چنین اظهار می‌داشت که عیسی درحقیقت روح بود که فقط بخاطر نمایان شدن جسم گرفت. درواقع او هیچ اثری و هیچ ردپایی از خود بجا نگذاشت؛ او خدا بود، نه انسان. تعلیم نادرست دیگر، به تعلیم *گنوستیکی* معروف است (که از یک کلمه یونانی به معنای «شناخت» گرفته شده) که می‌گفت هر نوع ماده فیزیکی شر است، روح پاک است و فقط کسی که به تنویر فکر رسیده باشد، می‌تواند از مزایای مذهب بهره‌مند شود. هر دو گروه، هم پیروان مکتب افلاطونی و هم گنوستیکها، نمی‌توانستند به منجی‌ای ایمان آورند که انسان کامل باشد. یوحنا بعنوان شاهی عینی بر زندگی عیسی در این دنیا، به این معلمین دروغین پاسخ می‌دهد. او عیسی را دیده، با او راه رفته، و لمس کرده بود، پس می‌دانست که عیسی فقط روح نبود. در همان آیه اول نامه، یوحنا اظهار می‌دارد که عیسی پیش از پیدایش جهان وجود داشته و علاوه بر این به صورت انسان در میان انسانهای دیگر زندگی کرده است. به بیانی دیگر، او هم الوهیت داشت و هم انسان بود.

طی قرن‌ها، بدعت‌های زیادی وجود داشته‌اند که منکر این بوده‌اند که عیسی هم خداست و هم انسان. در زمان یوحنا مردم در باور اینکه او انسان بود، مشکل داشتند؛ امروز بیشتر مردم در قبول کردن الوهیت او مشکل دارند. اما ماهیت خدایی-انسانی عیسی موضوع محوری مسیحیت است. پیش از اینکه عقیده معلمین مذهبی را درباره موضوعی بپذیرید، به دقت گوش کنید تا ببینید عیسی را چه کسی می‌دانند. انکار الوهیت او یا انسانیت او به منزله این است که او را کمتر از آنچه که هست، یعنی مسیح و منجی، بحساب می‌آورند.

مورد تمجید و ستایش مردم دنیوی قرار می‌گیرند، چون چیزهایی را که باب میل مردم است، بیان می‌کنند. یوحنا به مسیحیانی که صادقانه کلام خدا را تعلیم می‌دهند، اخطار می‌کند که در جلب طرفدار با دیگران به رقابت نپردازند. مردم دوست ندارند بخاطر گناهانشان محکوم شوند؛ آنها نمی‌خواهند بشنوند که زندگی‌شان باید تغییر کند. می‌خواهید در چه قسمت‌هایی محبوب باشید؟

۴:۴ شرارتی که در پیرامون خود می‌بینیم، خیلی راحت می‌تواند ما را به وحشت بیندازد. واضح است که شیطان قوی‌تر از ماست. با این حال، یوحنا ما را مطمئن می‌سازد که خدا قوی‌تر از شیطان است. او بر همه بدی‌ها غالب خواهد آمد، چون روح او در دل‌های ما ساکن است.

۶:۴ معلمین دروغین مانند انبیای دروغین عهدعتیق

محبت از خداست

^۷ عزیزان من، بیایید یکدیگر را محبت کنیم، زیرا محبت از خداست و هر که محبت می‌نماید، فرزند خداست و خدا را واقعاً می‌شناسد.^۸ اما کسی که محبت نمی‌کند، خدا را نمی‌شناسد، زیرا خدا محبت است.

^۹ خدا با فرستادن فرزند یگانه خود به این جهان گناه‌آلود، محبت خود را به ما نشان داد؛ بلی، خدا او را فرستاد تا جان خود را در راه ما فدا کند و ما را به زندگی ابدی برساند.^{۱۰} اینست محبت واقعی! ما او را محبت نکردیم، بلکه او ما را محبت کرد و یگانه فرزندش را فرستاد تا کفاره گناهان ما شود.

^{۱۱} عزیزان من، حال که خدا ما را این چنین محبت نمود، ما نیز باید یکدیگر را دوست بداریم و محبت کنیم.^{۱۲} اما هیچگاه خدا را ندیده‌ایم؛ اما اگر یکدیگر را

۷:۴

۱ یو ۲:۲۹، ۳:۱۱، ۵:۱

۸:۴

خرو ۴:۴ و ۵

میکا ۷:۱۸

۱ یو ۴:۷، ۱۶

۱۰:۴

یو ۱۵:۱۶

روم ۵:۱۰

تیط ۳:۴ و ۵

۱ یو ۲:۲

۱۲:۴

یو ۱:۱۸، ۱۴:۲۳

تیمو ۶:۱۶

۷:۴ هر کسی باور دارد که محبت مهم است، اما ما معمولاً آن را یک احساس می‌پنداریم. درواقع، همانطور که اقرنثیان ۱۳:۴-۷ نشان می‌دهد، محبت یک انتخاب و عمل است. خدا منبع محبت ماست، چون او آنقدر ما را دوست داشت که پسرش را برای ما قربانی کرد. سرمشق ما در محبت کردن، عیسی است؛ هرکاری که او در زندگی و مرگش انجام داد، با تمام معنی از روی محبت بود. روح‌القدس قدرت محبت کردن را به ما می‌دهد. محبت خدا همیشه مستلزم انتخاب و عمل است، و محبت ما هم باید مانند محبت او باشد.

تا چه قدر محبت شما به خدا، در انتخابهایی که می‌کنید و اعمالی که انجام می‌دهید، آشکار می‌شود؟

۸:۴ یوحنا نمی‌گوید: «محبت خداست»، بلکه «خدا محبت است.» دنیای ما با دید سطحی و خودخواهانه‌ای که از محبت دارد، معنای دیگری از این سخنان به دست می‌دهد و استنباطی را که ما از محبت داریم، دچار آشفتگی می‌کند. مردم دنیا فکر می‌کنند که محبت آن چیزی است که موجب می‌شود انسان احساس شادی داشته باشد. اینچنین محبتی به معنای اشتیاق به فدا کردن اصول اخلاقی و زیر پا گذاشتن حقوق دیگران است. اما این محبت واقعی نیست، بلکه درست متضاد محبت است، یعنی خودخواهی است. ما نمی‌توانیم دیدی را که دنیای شریب درباره محبت اشاعه داده است، به خدا نسبت دهیم. توصیفی که ما از محبت بدست می‌دهیم، باید از خدایی که مقدس، عادل، و کامل است، منشأ بگیرد. ما باید فرا بگیریم که همانطور که خدا محبت می‌کند، محبت کنیم.

۱۰ و ۹:۴ محبت شرح می‌دهد که (۱) چرا خدا انسان را خلق کرد- چون او محبت دارد، انسانها را خلق می‌کند تا آنان را محبت کند؛ (۲) چرا خدا از انسانها مراقبت می‌کند؟

او از انسانهای گناهکار مراقبت می‌کند، چون ایشان را دوست می‌دارد؛ (۳) چرا ما آزادی انتخاب داریم؟ چون او واکنشی را از ما انتظار دارد که از روی محبت باشد؛ (۴) چرا مسیح مرد؟ چون محبت او نسبت به ما، او را بر آن داشت تا راه‌حلی برای مسأله گناه بیابد، و (۵) چرا ما حیات جاودانی را دریافت می‌کنیم؟ چون محبتش موجب می‌شود که افکار و احساساتش را تا ابد به ما بنمایاند.

۱۰:۴ هیچ چیز گناه‌آلود یا شری نمی‌تواند درحضور خدا وجود داشته باشد. او نیکی مطلق است. او نمی‌تواند به گناه بی‌توجهی کند، آن را نادیده بگیرد، یا از آن بگذرد، چنانکه گویی هرگز اتفاق نیفتاده است. خدا ما را دوست دارد، اما محبت او باعث نمی‌شود که در پاک‌اش دچار سستی شود. با این حال، اگر به عیسی اعتماد کنیم، دیگر لازم نیست جریمه گناهانمان را پردازیم (۱ پطرس ۲:۲۴). او ما را تبرئه می‌کند (رومیان ۵:۱۸).

۱۲:۴ بعضی از مردم به دیگران محبت می‌کنند تا آنان را گرد خود نگه دارند. این عده به سادگی به غریبه‌ها کمک و محبت می‌کنند و همیشه دوستان زیادی دور و بر خود دارند. بعضی دیگر خجالتی یا منزوی هستند. این عده دوستان کمی دارند، و از صحبت با افراد ناآشنا یا جوشیدن با افراد ناآشنا معذب می‌شوند. اشخاص خجالتی برای اینکه بتوانند دیگران را محبت کنند، لازم نیست به آدمهای برون‌گرا تبدیل شوند. یوحنا نمی‌گوید که چه تعدادی از مردم را محبت کنیم، بلکه می‌گوید **چقدر** کسانی را که می‌شناسیم محبت کنیم. وظیفه ما این است که صادقانه کسانی را که خدا به ما می‌سپارد، چه دو نفر و چه دویست نفر، محبت کنیم. وقتی خدا ببیند که آماده محبت کردن به دیگرانیم، کسانی را که احتیاج به محبت دارند، نزد ما خواهد آورد. هرچقدر هم خجالتی باشیم،

محبت نماییم، خدا در وجود ما مسکن می‌گزیند و محبت او در ما قوت می‌گیرد.^{۱۳} خدا برای همین روح پاک خود را در وجود ما قرار داده تا بدانیم که خدا در ما ساکن است و ما در خدا.^{۱۴} از این گذشته، ما نیز با چشمان خود دیده‌ایم و به همه اعلام می‌کنیم که خدا فرزندش را فرستاد تا مردم را نجات و رستگاری عطا کند.^{۱۵} هر که ایمان داشته باشد و به زبان بگوید که عیسی فرزند خداست، خدا در وجود او ساکن است و او نیز در خدا.

^{۱۶} ما می‌دانیم که خدا چقدر ما را دوست می‌دارد، زیرا گرمی محبت او را چشیده‌ایم. ما محبت او را باور می‌کنیم. خدا محبت است! و هر که با محبت زندگی می‌کند، با خدا زندگی می‌کند و خدا در وجود اوست.^{۱۷} وقتی با مسیح زندگی می‌کنیم، محبتمان بیشتر و کاملتر می‌شود. پس در روز داوری شرمند و سرافکننده نخواهیم شد، بلکه با اطمینان و شادی در حضور او خواهیم ایستاد، زیرا او ما را دوست دارد و ما نیز او را دوست داریم.

^{۱۸} لازم نیست از کسی که ما را بطور کامل دوست دارد، بترسیم. محبت کامل خدا هرگونه ترس را در ما ریشه‌کن می‌سازد. اگر هنوز می‌ترسیم، علتش اینست که هنوز کاملاً یقین نداریم که خدا حقیقتاً ما را دوست می‌دارد.

^{۱۹} محبت ما نسبت به خدا، از محبتی ناشی می‌شود که او اول نسبت به ما داشت.^{۲۰} اگر کسی ادعا می‌کند که خدا را دوست دارد، اما از همونوع خود متنفر است، دروغ می‌گوید؛ چون اگر کسی نتواند همونوعی را که می‌بیند، دوست داشته باشد، چگونه می‌تواند خدایی را که ندیده است، دوست

۱۳:۴

یو ۲۰:۱۴

روم ۹:۸

۱ یو ۲۴:۳

۱۴:۴

یو ۱۴:۱ : ۱۷:۳ ; ۴۲:۴

۱ یو ۲:۱ : ۲:۲

۱۵:۴

متی ۱۶:۱۶

یو ۶:۶

روم ۹:۱۰

۱۷:۴

متی ۱۵:۱۰

یعقو ۱۳:۲

۱۸:۴

روم ۱۵:۸

۱۸:۴ اگر زمانی در ترس از ابدیت، بهشت، یا داوری خدا دچار ناآرامی بشویم، می‌توانیم محبت خدا را به خودمان یادآوری کنیم. ما می‌دانیم که محبت او نسبت به ما کامل است (رومیان ۳۸:۸ و ۳۹). اگر اول بر محبت بی‌حد او متمرکز شویم و بعد به او اجازه بدهیم که دیگران را از طریق ما محبت کند، می‌توانیم ترسهایمان را برطرف کنیم. و زمانی می‌توانیم یقین کامل داشته باشیم که پیاموزیم در این دنیا هرچه بیشتر شبیه مسیح شویم. **۱۹:۴** محبت خدا منبع محبت همه انسانهاست و مانند آتش به همه جا سرایت می‌کند. خدا وقتی فرزندانش را محبت می‌کند، شعله‌ای در قلب آنها می‌افروزد. آنها هم به نوبه خود دیگران را محبت می‌کنند. درواقع گرمای محبت خدا از طریق آنها به دیگران می‌رسد.

۲۰:۴ و ۲۱ گفتن اینکه ما خدا را دوست داریم، و تنها بهایی که برای این کار بپردازیم، رفتن به کلیسا در روز یکشنبه باشد، خیلی آسان است. اما محک واقعی محبت ما

نباید از اجرای حکم محبت واهمه داشته باشیم. خدا هرگز ما را تا جایی پیش نمی‌برد که قوتمان کفایت نکند.

۱۳:۴ وقتی مسیحی می‌شویم، روح‌القدس را دریافت می‌کنیم. حضور خدا در زندگی ما دلیلی است بر اینکه ما واقعاً از آن او هستیم و خدا به ما قدرت می‌دهد تا دیگران را محبت کنیم (رومیان ۵:۵؛ ۹:۸؛ ۲۲:۱). در کمک و محبت به دیگران بر قدرت خدا تکیه کنید. وقتی اطمینان به نجات در شما کم می‌شود، به ندای روح‌القدس که در شماست، گوش کنید (همچنین مراجعه کنید به رومیان ۱۶:۸).

۱۷:۴ روز داوری همان روز آخر است که ما در پیشگاه مسیح حاضر خواهیم شد و برای روش زندگی‌مان حساب پس خواهیم داد. وقتی خدا از طریق مسیح با ما زندگی می‌کند، دیگر هیچ دلیلی برای ترس از این روز نداریم، چون ما از مجازات‌هایی یافته‌ایم. در عوض، می‌توانیم با شادی در انتظار داوری باشیم، چون آن روز به منزله پایان گناه و شروع رابطه‌ای رودررو با عیسی مسیح خواهد بود.

بدارد؟^{۲۱} این حکم خداست که هر که او را دوست می‌دارد، باید هم‌نوع خود را نیز دوست داشته باشد.

۳- خدا حیات است

هر که ایمان دارد که عیسی همان مسیح و فرزند خدا و نجات‌دهندهٔ عالم است، او فرزند خداست. هر که خدای پدر را دوست دارد، فرزندان او را نیز دوست خواهد داشت.^۲ چگونه بدانیم فرزندان خدا را دوست داریم؟ از اینکه خدا را دوست داریم و احکام او را اطاعت می‌کنیم.^۳ درواقع کسی که خدا را دوست دارد، نمی‌تواند احکام او را اطاعت نکند؛ و احکام او برای ما مشکل نیست.^۴ زیرا هر فرزند خدا می‌تواند احکام خدا را بجا آورد و با ایمان و توکل به مسیح، بر گناه و لذات ناپاک دنیا غلبه کند.^۵ فقط کسی می‌تواند بر دنیای گناه‌آلود غلبه یابد که ایمان دارد عیسی به راستی فرزند خداست.

ما^۶ می‌دانیم که عیسی فرزند خداست، زیرا خدا دوبار این حقیقت را از آسمان اعلام فرمود. یک بار به هنگام تعمید او، و یک بار نیز مدتی پیش از آنکه با مرگ و روبرو شود. پس نه فقط به هنگام تعمیدش، بلکه مدتی پیش از مرگش نیز خدا از آسمان سخن گفت. روح خدا نیز که مظهر راستی است، این حقیقت را تأیید می‌کند که عیسی فرزند خداست. پس سه شاهد تأیید می‌کنند که عیسی فرزند خداست: صدای روح خدا در قلب ما؛ صدای آسمانی به هنگام تعمید عیسی؛ و همان صدا مدتی پیش از مرگ او. این سه صدا، همان یک سخن

۲۱:۴

لاو ۱۸:۱۹

متی ۴۳:۵ + ۳۷:۲۲

یو ۳۴:۱۳

ایو ۱۱:۳

۱:۵

یو ۱۱:۱ + ۴۱:۵۸ و ۴۲

۳:۵

میکا ۸:۶

متی ۳۰:۱۱

ایو ۳:۲

۵:۵

اقرن ۵۷:۱۵

۶:۵

حجی ۵:۲

متی ۱۶:۱۸

یو ۲۶:۱۵ + ۳۴:۱۹

مکا ۱۳:۱۱ + ۱۹

خدمت به مسیح هیچ باری بردوش کسانی که او را دوست دارند، نیست. اگر کم کم حس کردیم که بار بر دوشمان سنگینی می‌کند، می‌توانیم در حمل آن به مسیح توکل کنیم. ۵:۶-۸ «دو بار این حقیقت را از آسمان اعلام فرمود»، ترجمه تفسیری این عبارت اصلی است: «... به آب و خون آمد.» «آب و خون» ممکن است به تعمید و مرگ مسیح روی صلیب اشاره داشته باشد. در آن موقع، تعلیم غلطی در بین مردم انتشار پیدا کرده بود مبنی بر اینکه عیسی فقط در فاصله بین تعمید و مرگش خدا بود، به این معنی که او به هنگام تولد و تا قبل از تعمیدش فقط یک انسان بود، و به هنگام تعمید، «مسیح» نازل شده بر او قرار گرفت، اما بعداً پیش از مرگش بر روی صلیب، او را ترک کرد. اما اگر عیسی بعنوان انسانی مرده باشد، نمی‌تواند گناه جهان را بر خود بگیرد، و مسیحیت مذهبی توخالی می‌شود. فقط عمل خدا می‌توانست مجازات گناه را که سزاوار آن بودیم، بردارد.

نسبت به خدا در این است که با اعضای خانواده خود و برادران ایمانی‌مان که همیشه دور و پر ما هستند، چگونه رفتار می‌کنیم. ما نمی‌توانیم حقیقتاً خدا را محبت کنیم درحالی که از محبت به کسانی که به شبیه او خلق شده‌اند، غفلت می‌کنیم.

۵:۱۰-۲ وقتی مسیحی می‌شویم، جزئی از خانواده خدا می‌گردیم و ایمانداران دیگر خواهران و برادران ما می‌شوند. خداست که تعیین می‌کند اعضای دیگر خانواده چه کسانی هستند، نه ما. ما صرفاً خوانده شده‌ایم تا آنها را بپذیریم و محبت کنیم. رفتارشان با برادران و خواهران ایمانی‌تان چطور است؟

۵:۳-۴ عیسی هیچ وقت وعده نداد که اطاعت از فرامین او آسان خواهد بود. اما سخت‌کوشی، در صورتی که نتایج آن برای ما بها داشته باشد، بی‌پاداش نخواهد ماند. ترجمه دیگری از جمله آخر آیه سوم به این شکل است: «احکام او شاق نیست.» سخت‌کوشی و داشتن انضباط شخصی در

را می گویند که عیسی مسیح، فرزند خداست.^۹ در دادگاه وقتی کسی شهادتی می دهد، همه آن را باور می کنیم. حال خدا به این وسیله شهادت می دهد که عیسی فرزندش می باشد؛ پس چقدر بیشتر باید شهادت خدا را بپذیریم.^{۱۰} همه آنانی که به این حقیقت ایمان می آورند، در قلب خود به درستی آن پی می برند. اما اگر کسی به این حقیقت ایمان نیاورد، در واقع خدا را دروغگو شمرده است، زیرا شهادت خدا را درباره فرزندش دروغ پنداشته است.

^{۱۱} اما خدا چه شهادتی داده است؟ شهادت خدا اینست که او به ما حیات جاوید عطا کرده، و این حیات در فرزند او عیسی مسیح است.^{۱۲} پس روشن است که هر کس مسیح را دارد، به این حیات نیز دسترسی دارد؛ اما هر که مسیح را ندارد، از این حیات بی بهره خواهد ماند.

^{۱۳} این نامه را نوشتم تا شما که به فرزند خدا ایمان دارید، بدانید که از هم اکنون، از حیات جاوید برخوردارید.^{۱۴} از اینرو، خاطرجمع هستید که هرگاه از خدا چیزی مطابق خواست او بطلبیم، دعای ما را خواهد شنید؛^{۱۵} و اگر یقین داریم که دعای ما را می شنود، می توانیم به این هم اطمینان داشته باشیم که آنچه از او بخواهیم، به ما عطا خواهد کرد.

^{۱۶} اگر می بینید که برادر شما مرتکب گناهی می شود که منتهی به مرگ نیست، از خدا بخواهید که او را ببخشد، و خدا نیز به او حیات جاوید عطا خواهد کرد، به این شرط که گنااهش منتهی به مرگ نباشد. زیرا گناهی هست که منجر به

۹:۵

متی ۱۷:۱۶

یو ۳۸-۳۱:۵

۱۰:۵

یو ۳۳:۱۸

روم ۱۶:۸

غلا ۶:۴

ایو ۱۰:۱

۱۱:۵

یو ۴:۱

ایو ۲۵:۲؛ ۹:۴؛ ۲۰:۱۳

۱۲:۵

یو ۳۶:۱۵؛ ۲۴:۵

یو ۶:۱۴؛ ۳:۱۷

۱۳:۵

یو ۳۱:۲۰

ایو ۲۳:۳

۱۴:۵

متی ۷:۷

یو ۱۳:۱۴؛ ۷:۱۵

ایو ۲۲:۳

۱۶:۵

اعد ۳۰:۱۵

ار ۱۶:۷؛ ۱۱:۱۴

مر ۲۹:۳

عبر ۴:۶؛ ۲۶:۱۰

یعقو ۱۵:۵

می توانید خاطرجمع باشید که حیات جاوید دارید که به حقیقت الهی ایمان داشته باشید. اگر مثلاً اطمینانتان نسبت به مسیحی بودن کم شود، از خود پرسید که آیا صادقانه زندگی تان را به او بعنوان منجی و خداوند خود سپرده اید یا نه. اگر جواب سؤال مثبت باشد، با ایمان خاطرجمع می شوید که حقیقتاً فرزند خدا هستید.

۱۴:۵ و ۱۵ اینجا تأکید روی خواست خداست، نه خواست ما. وقتی با خدا رابطه برقرار می کنیم، آنچه را که می خواهیم از او نمی طلبیم، بلکه درباره چیزی که او از ما می خواهد، با او سخن می گوئیم. اگر دعاهای ما مطابق خواست او باشد، او خواهد شنید؛ و ما می توانیم یقین داشته باشیم که اگر او می شنود، پس جوابی قطعی خواهد داد. از حالا به بعد با اطمینان کامل دعا کنید!

۱۷ و ۱۶:۵ مفسرین درباره اینکه این گناه چه گناهی است و آیا مرگی که در اثر این گناه به وقوع می پیوندد، مرگ فیزیکی است یا روحی، نظرات بسیار متفاوتی ارائه می دهند. پولس می نویسد که بعضی از مسیحیان مرده اند چون «بطور ناشایسته ای» در عشاء ربانی شرکت

۹:۵ در اناجیل، خدا دوبار واضحاً اعلام می کند که عیسی پسروست، یک بار در تعمید عیسی (متی ۱۶:۳ و ۱۷)، و یک بار هم به هنگام تبدیل هیأت او (متی ۱۷:۵).

۱۲:۵ هر کس که به پسر خدا ایمان دارد، از حیات جاوید برخوردار است. او تمام آن چیزی است که به آن احتیاج دارید. لازم نیست برای آن انتظار بکشید، چون از همین امروز حیات جاوید شروع می شود. لازم نیست برای بدست آوردن آن تلاش کنید، چون حیات جاوید از هم اکنون از آن شماست. لازم نیست نگران آن باشید، چون خدا خودش حیات جاوید را به شما داده است؛ خداست که آن را ضمانت کرده است.

۱۳:۵ بعضی از مردم امیدوارند که خدا به آنها حیات جاوید بدهد. یوحنا می گوید که ما می توانیم خاطرجمع باشیم که آن را داریم. اطمینان ما اساس وعده خداست مبنی بر اینکه از طریق پسرش حیات جاوید را به ما داده است. این حقیقت دارد، چه ما احساس نزدیکی به خدا بکنیم، چه احساس کنیم از او دوریم. حیات جاوید بر احساسات استوار نیست، بلکه بر حقایق. شما در صورتی

۱۷:۵

۱ یو ۱:۲ ؛ ۴:۳

۱۸:۵

۲ یو ۲۸:۱۰ و ۲۹
۱ یو ۱۳:۲ ؛ ۹:۳

۲۰:۵

لو ۴۵:۲۴

۱ یو ۱۸:۱ ؛ ۲۰:۱۴ ؛ ۵:۱۵
۲۳، ۲۱، ۳:۱۷۱ یو ۱۰:۵ ؛ ۷:۳
مکا

۲۱:۵

۱ قرن ۷:۱۰
۱۰:۱

مرگ می‌شود، و نمی‌گوییم که برای آن دعا کنید.^{۱۷} البته هر کار نادرست گناه است، اما گناهی هست که منتهی به مرگ نمی‌شود.

^{۱۸} می‌دانیم هر که فرزند خدا شده است، خود را به گناه آلوده نمی‌کند، زیرا مسیح که فرزند خداست، او را حفظ می‌کند تا دست شیطان به او نرسد.

^{۱۹} می‌دانیم که ما فرزندان خدا هستیم و بقیهٔ مردم دنیا، تحت قدرت و سلطهٔ شیطان قرار دارند.^{۲۰} می‌دانیم که فرزند خدا آمده و به ما ببینش داده تا خدای حقیقی را بشناسیم. و حالا ما در خدا هستیم، زیرا در فرزندش عیسی مسیح قرار گرفته‌ایم که تنها خدای حقیقی و حیات جاودانی است.

^{۲۱} فرزندان من، از هر چه که جای خدا را در قلبتان می‌گیرد، دوری کنید.

کرده‌اند (۱ قرن ۲۷:۱۱-۳۰)، و حنانیا و سفیره وقتی به خدا دروغ گفتند، بلافاصله مردند (اعمال ۵:۱-۱۱). کفر به روح‌القدس به مرگ روحانی منجر می‌شود (مرقس ۳:۲۹)، و نویسنده کتاب عبرانیان مرگ روحانی کسی را که از ایمان به مسیح منحرف می‌شود، توصیف می‌کند (عبرانیان ۶:۴-۶). یوحنا احتمالاً به کسانی فکر می‌کرد که از پیروی مسیح دست برداشته و به «دجال‌ها» ملحق شده بودند. این عده با رد تنها راه نجات، خود را خارج از تیررس دعا قرار می‌دادند. اما در بیشتر موارد، حتی اگر ما بدانیم «گناهی که منجر به مرگ می‌شود»، چه گناهی است، هیچ راه مطمئنی برای دانستن اینکه آیا شخص مرتکب آن شده یا نه، وجود ندارد. بنابراین ما باید به دعا کردن برای عزیزانمان و خواهان و برادران مسیحی خود ادامه دهیم، و داوری را به خدا واگذار کنیم. توجه کنید که یوحنا نمی‌گوید: «شما نمی‌توانید در این مورد دعا کنید»، بلکه می‌گوید: «نمی‌گوییم که برای آن دعا کنید.» او عدم قطعیت خود را در این مورد قبول دارد.

۱۹ و ۱۸:۵ بدیهی است که مسیحیان مرتکب گناه می‌شوند، اما از خدا می‌خواهند تا آنها را ببخشد و بعد خدمت به خدا را از سر می‌گیرند. خدا آنها را از اسارت

شیطان آزاد کرده است، و آنها را از حملات مستمر شیطان در امان نگه می‌دارد. بقیه مردم دنیا آزادی مسیحیان را ندارند تا بتوانند از احکام خدا اطاعت کنند. آنها هیچ راهی جز اطاعت از شیطان ندارند، مگر اینکه با ایمان نزد مسیح بیایند. حد وسطی وجود ندارد؛ مردم یا از آن خداوندند و او را اطاعت می‌کنند، یا تحت سلطه شیطان بسر می‌برند.

۲۱:۵ این آیه در اصل چنین می‌گوید: «خود را از بتها نگاه دارید.» بت هر چیزی است که جانشین ایمان واقعی می‌شود، هر چیزی که مسیح را از الوهیت کامل و انسانیت کامل کمتر می‌داند، هر نوع نظریه بشری که مدعی است معتبرتر از کتاب مقدس است، هر چیزی که بجای خدا در مرکز زندگی قرار می‌گیرد.

۲۱:۵ تفکری که درباره مسیح داریم، اساسی‌تر از تعلیم، موعظه، و زندگی ماست. عیسی خدا انسان است، یعنی در عین حال هم خدای کامل است و هم انسان کامل. او به این جهان آمد تا بجای ما برای گناهان ما بمیرد. ما از طریق ایمان به او می‌توانیم از حیات جاوید و قدرت انجام اراده او برخوردار شویم. پاسخ شما به مهم‌ترین سؤال که ممکن است از شما بشود، چیست؟ عیسی مسیح کیست؟